

وزارت فرهنگ و ارشاد

واحده ميزي کتاب را حذف کرد

وزارت فرهنگ و ارشاد اعلام کرد که از این پس برای انتشار کتاب نیازی به مجوز وجود ندارد و ناشران تنها با ارائه درخواست کافی میتوانند سهمیه مورد نیاز را برای چاپ و نشر کتاب خود دریافت کنند. این تصمیم در نشست اخیر مدیر کل مرکز چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ناشران کشور، یاتھابlag شده است. اگر این تصمیم عملی شود از این پس وزارت فرهنگ و

پمناسبت سومین سالگرد فاجعه کشتار همگانی

زندانیان سیاسی

یاد بخون سروشته پیدا ران

سومین سالگرد فاجعه کشtar زندانیان سیاسی ایران را پشت سر می گذاریم، روز ویژه‌ای را برای این قتل عام و حشیانه که فاجعه ملی نام گرفته است نمی‌توان تعیین کرد، زیرا که نه در یک روز بلکه در سرتاسر روزهای شهريور و سمه ماهه پائیز سال ۱۳۶۷، حکومت اسلامی هر روز دهها و صدها زندانی سیاسی را دسته به بالای چوبهای دارفراستاد، به جوختهای اعدام سپرد و حتی در سالن های دربسته منتظر گرد و در گورهای دسته جمعی به خاک سپرد، جزئیات این قتل عام و حشیانه هنوز پس از ۳ سال تام‌علوم است، نه تعداد قربانیان این جنایت، نه نام بسیاری از شهدیان، نه چگونگی شهادت و نه محل دقیق اتفاق روش نشده است. سران رژیم هیچگاه به این جنایت هولناک اعتراف نکرده‌اند و کماکان به توطئه سکوت ادامه می‌دهند، امادر بیان مردم و تیروهای آپوزیسيون سخن از کشtar ۳ تا ۴ هزار تن میرود. تصمیم این قتل عام و حشیانه در جمع یالاترین سران رژیم و به دستور و تایید خمینی اتخاذ شد، رجبران گنونه جحوری اسلامی از جمله جاشعی رفسنجانی و خامنه‌آ، عالیان دجه‌ها را اب. حنایت علناک به دند.

حکامه‌ای یا مین در چهارمین زندانیان سیاسی بیش از آنکه نشانه ددمنشی و کینه توزی
قتل هام زندانیان سیاسی بیش از آنکه نشانه ددمنشی و کینه توزی
رژیم نسبت به مخالفین خود باشد، نشانه‌ای از هراس آن از آینده‌اش بود.
جمهوری اسلامی در طول یک دهه حکومت خود از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ هجری
مخالف رایه بند کشید و زندان های پر شمار خود را از مبارزان سیاسی
ابناشت. و حشیانه‌ترین شکنجه‌های شکنجه‌گران رژیم در کنار
اعدام هایی که به ویژه از سال ۱۳۷۰ عربه بعد بی وقفه ادامه داشت، توانست
مقاومت زندانیان سیاسی را درهم بشکند و آنها را به تمکین در برآبر
حکومت فتحا وادرس سازد. زندان های به ویژه به همت زندانیان و استبه به
سازمان های چپ به مرکزی جمیت مقاومت علیه حکومت اسلامی تبدیل
شد و آوازه ایستادگی زندانیان سیاسی دیوارهای بلند زندان ها را در
نوردید. رژیم که در وجود این نیروی مبارز و تسليم نایذیر، پیشتر از
مقاوم جنیش ضد دیکتاتوری را می دید، در روزهای پس از تسليم
خفت پارش در جنگ ۸ ساله سرانجام دست به نابودی دسته جمعی
آزادیخواهان در بند زد تا هم آن نیروی مقاوم را از بین برد و هم با
استفاده از رقب و حشت ناشی از این قتل هام، رو جیه مبارزه و مقاومت
ا، اضطریف کند.

ر کشیت شد.
کشته راهای رژیم بالاتر این جنایت هولناک پایان نهادیرفت از سال ۷۶ تاکنون اعدام مخالفین و مبارزین در ایران بی وقفه ادامه داشته است. حکومت جمهوری اسلامی هم چنان در راس حکومتهایی است که حقوق پیر را لگدمال می کنند. رژیم سال ۴۱ میلادی، طی ۹ ماه، بیش از هر دولتی در جهان به اعدام زندانیان دست زده است و ترور و کشتن مخالفین را به خارج از مرزهای ایران نیز گسترش داده است. هیچ قلم این کارنامه سیاست، کسانی که خود قابلین و تصمیم گیرندگان اصلی فاجعه ملی سال ۷۶ و جنایت‌بیشمار پس از آن بوده‌اند، امروز به مقتصی زمان می کوشند از خود چهره‌هایی دموکرات و طرفدار حقوق پرسازند و با

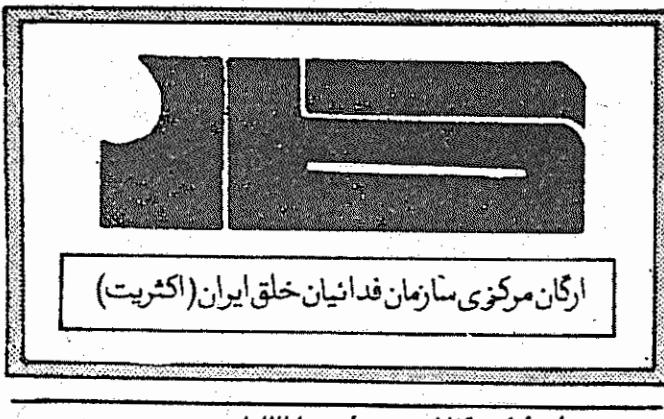
اختتامی جنایات روزمره شان، فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی را از خاطره هامحو کنند.

اپوریسیون آزادی خواه باید به سهم خود در زندگانی داشتن خاطره این شهداد و در جلوگیری از نشستن گرد فراموشی براین جنایت معیب تلاش ورزد و نگذارد هزمه که در قلموب مبارزین، آزادیخواهان و عمه انسانهای شریف پرای برچیدن بساطه این شکنجه گران جرم شده است خدشهدار گردد. بزرگداشت خاطره شهداد فاجعه ملی تنها ارادی دین به هم زمان با هدایت افتخار نیست، افساری رژیم اسلامی است، محاکومیت آن است، دمیدن بر آتش مقدس مبارزه پیگیر با محاکومیت فاسد، جنایتکار واستبدادی است، زندگانی داشتن عشق به آزادی است. یک جنبش و یک سازمان مبارزه جو همواره نیاز دارم که بازنده زندگانی داشتن خاطره شهدادی خود از زندگی و پیکار دلیرانه و فداکارانه آنان در راه آزادی و بعروزی مردم، القام گیرد و پارهانها و ارزشها و الای آنها تجدید گفتد؛ که هیچ جنبشی در پیکار علیه دشمنی خودکاره و مستبد بی تجهیز باشد. مد اث معنی، العالم بخشش، بدبخت، اهداد

امنیا و حکم؛ نوآت تحریر تمدّه‌ها

آبا حیا، بلکن باز آواز است؟

د. آستانه‌کنف انس، صلح خاوه‌منانه



۲۱ چهارشنبه ۳۴ مهر ماه ۱۳۷۵
۶ اکتبر دوره سوم شماره

یا تصویب و اجرای "لایحه دادگاه‌های عام"؛

نظام قضایی کشور به ۱۴۰۰ سال قبل بر می‌گردید

و ایجاد مرجع قضایی واحد دادگاهی با صلاحیت عام تشکیل خواهد شد^{۲۰} (ماده یک)، "دادگاهی هزبور رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و جسمی را مددود دار خواهد بود"^{۲۱} (ماده سه)، "کلیه اقدامات و تحقیقات ضروری از شروع تا خاتمه رسیدگی، هم چنین اظهار نظر کلیات آن برای قابل توجهی به تصویب رسید و به کمیسیون قضایی مجلس احواله گردید تا آنرا برای طرح در شور دوم مجلس تدقیق نماید، "لایحه تشکیل دادگاهی اجراء نظام قضائی کشور را به کلی دگرگون خواهد نمود.

مطابق مواد این لایحه به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه

قضائی رسید، طرح تدوین شده در جلسه مشترکی که با شرکت فقهای شورای نگهبان و ب rex از اعضای شورای اعلی قضائی و کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورا که در ابتدای دوره سوم مجلس تشکیل شده بود، بار دیگر مورد بررسی قرار گرفت. این طرح با تصمیماتی به تصویب شورای اعلی قضائی و هیئت دولت رسید و با عنوان^{۱۱} «لایحه دادگاههای عامل»^{۱۲} مدتی، قتل در از بد و پیروزی انقلاب اسلامی اندیشه دگرگونی سیستم قضائی و منطبق کردن آن بر سیستم قضائی اسلام در بین سران رژیم حاکم طرح بود. در اواسط دوره دوم مجلس شورای اسلامی در جلسات مشترک شورای عالی قضائی و کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس، هیئت انتخاب گردید تا این مسئله را مورد بررسی قرار دهد، این هیئت طرحی را تدوین کرد که به تصویب شورای اعلی

اعتراض وزارت فرهنگ و ارشاد

یه محکمه غیر علني مدبر روزنامه خراسان

اصلی و علل البطل این میثت منصفه
در رسانه‌های گروهی اعلام
گردیده بود. در جلسه مشترک
مسئلولان قوه قضائیه و وزارت
ارشاد و فرهنگ در تاریخ
۱۳۷۵/۵/۲۱ تاکید شده بود که
با توجه به صراحت مفاد قانون
اساسی و قانون مطبوعات

غیر علنی و بدون حضور چیزی
منعنه تشکیل گردید و او را به سه
سال تبعید در قم محاکوم نمود. و
این در حالی است که بعد از
جریان نشریه گردون، به تقاضای
عدد زیادی از نشریات، هیئت
منعنه مطبوعاتی مطابق توافق
مطبوعات مصوب مجلس شورای
اسلامی تشکیل شده و روز دوم
در ماه اسلام ۱۴۰۲ هجری ماه پیش،
با تمام وجود لمس کردادان^{۲۲}
(کیمان ۳۱ شهریور ماه ۷۵).
در مطلب مندرج در روزنامه
خراسان نوشته شده بود که
خامنه‌ای از حذف تندروها توسط
جناح حاکم حمایت میکند.
بازداشت و محاکومیت او در
رابطه با این موضوع است.
دادگاه مدیر مستول روزنامه
خراسان، بنده ششم مهر ماه پیش،

گسترش حملات تراوید پرستانه علیه شهر و ندان خارجی در آلمان

فون واپتس کر رئیس جمهوری
آلمان طی دیداری از یک خوابگاه

آلمان درست یک سال پس از
وحدت، شاهد یک سلسله حملات
ایستادگی کنند. گسترش خشم
اگر معمومی از جنایات

اسلامی قاضی رَاده تماینده فریمان، احمدآباد و سرخس خبر بازداشت او را رسماً اعلام کرد و گفت: «متاسفانه اطلاع یافتهیم که حريم مقدس روحانیت و نیز حريم مطبوعات مورد تجاوز قرار گرفته و روحانی سرشناس و ارزشمند حجت الاسلام والمسلمین آقای سید ابوالفضل موسویان مستول محترم روزنامه خراسان توسط دادگاه ویژه روحانیت بازداشت گردیده است و این خود یک مشهور جذی برای همه کسانی است که در یکی دو سال گذشته، صدای پای تاهمهرمان را در محیط مقدس انتقال اسلام شنیدند. آقا

Page 1

Vario

کردد. تشدید حملات فاشیستی علیه اتباع خارجی، مردم مترقی و نیروهای دمکرات آلمان را بر آن داشت که با سازماندهی اقدامات اعتراضی، تحصن ها و تشکیل خط زنجیر در برابر خواسته های پناهندگان، در برابر فاشیستها

وزارت فرهنگ و ارشاد واحد ممیزی کتاب را حذف کرد

میزی کتاب تن داد. اما هم چنانکه او لین عکس العمل روزنامه کیهان نشان داد، قضیه باین سادگی نیست. در چند ماه اخیر تهاجم فوک العاده سنین در هر صه فرهنگی علیه جامعه فرهنگی قیر وابسته بدولت صورت گرفته است. روزنامه کیهان آغازگر و پرچمدار این تهاجم بود. این تهاجم به سایر مطبوعات وابسته به رژیم کشیده شد و با حمله به دفتر نشریه کردون و سخنان خامنایی در مورد "خطر تهاجم فرهنگی" باوج رسید. در این میان سازمان تبلیفات اسلامی و در راس آن جنتی همگام با تیهان بد وزارت فرهنگ و ارشاد جوام آوردن. ولی خاتمه هیلر غم این فشارها از مواضع خود عقب نشست. در گیری هم چنان ادامه دارد. کیهان از مهم تهدیدهای فرهنگی بویژه شو رایعالی انقلاب خواسته است که موضوع را بطور جدی پیگیری نموده و از اتدام وزارت فرهنگ و ارشاد ممانعت بعمل آورند.

حذف میزی یعنی حذف تمامی موائع موجود در انتشار کتاب نیست. در مواردی ارگانهای دیگر حتی بعد از صدور مجوز، مانع انتشار کتاب میشوند. بعلاوه اختناق حاکم بر کشور باشکال مختلف هر صه تامین آزادی بیان، قلم و مطبوعات را تنگ می‌کند، محکمه و محکوم کردن مدیر روزنامه خراسان بخاطر درج مطلب انتقادی و راه اندختن جار و چنجال بخاطر طرح روی جلد نشریه گردون نومنهای از این موائع است.

به دادگاه شکایت کند تا
دادگاههای صالح شکایتش مورد
رسیدگی قرار گیرد و دادگاه بر
اساس قولین کشور حکم مقتضی
را صادر نماید.

تصمیم وزارت فرهنگ و ارشاد
بلافاصله با حکم العمل روزنامه
کیهان مواجه گشت، کیهان در
ستونی با عنوان "اشاره"^{۱۰} مطلبی
رادر ج کرد و به این تصمیم شدیداً
اعتراض نمود. در این مطلب گفته
شده است: "تصمیم وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر
حذف واحد ممیزی پرسی کتاب،
در شرایطی که با وجود واحد
مزبور دهها کتاب ضد آرمانهای
اخلاقی و اسلامی طی چند سال
آخر مجوز نشر گرفته و به بازار
راه یافته است، به شدت مورد
سئوال و تردید است." کیهان
می‌پرسد: "وزارت محترم
ارشاد با کدام استدلال و توجیه،
راه برخوردار با نشران و متخلصان و
اثار منفی را از همان آغاز به
دستگاه قضائی و انتظامی واگذار
می‌کند؟ مثرباید بر خورد قضائی
تفعی در موارد ضرورت اعمال
شود؟ چرا وقتی قادریم رخنه
نساد را از سر چشممه آن سد کنیم و
اساساً به کتب مضر اجازه نشون و
توزیع ندهیم، طرحی به اجرا در
آوریم که هر گونه کتابی به بازار
هر رده شود و در دسترس
خوانندگان و جوانان قرار داده
شود، آنکه اگر کسی شکایت کرد
نیروی قضائی به کتابفروشی‌ها
بریزند و اینگونه کتب را جمع
اوری کنند؟"^{۱۱} (کیهان ۹ مهر ماه
(۷۵)

سنسور روییم مانع انتشار کتابهای متعدد شده و زیانگاهی مالی زیادی به ناشران وارد آورده است. همیزی موجب شده بود که بسیاری از کتاب‌های تویستندگان، شاعران و پژوهشگران خیر وابسته به جمهوری اسلامی انتشار نیابد و انتشار آن بخش از کتابهای آنان که موفق به کسب مجوز شده بود نیز با جار و جنجال های تخطه‌آمیز مطبوعات وابسته به حکومت مواجه گردیده است. شیوه کار وزارت ارشاد این بود که ناشرین یک نسخه از کتابهای چاپ شده را قبل از انتشار برای کسب مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد میدادند. اگر این وزارت خانه اجازه انتشار نمیداد تمام کتابهای چاپ شده روی دست ناشر و تویستنده می‌ماند و علاوه بر ضایعات دیگر موجب زیان مالی نیز می‌شد.

جامعه فرهنگی ایران و ناشرین خیر دولتی مهواره خواستار حذف ممیزی کتاب بودند. در مقالات تویستندگان، در مصاحبه‌ها و میزگردها بارها این مسئله طرح شده بود. آنچه ممیزی را مانع پیشرفت فرهنگی کشور شمرده و سلب حق آزادی قلم و بیان را مورد نکوشش و انتقاد قرار داده بودند. جامعه فرهنگی و ناشران فیر وابسته بدولت در چند سال اخیر مبارزه پیگیرانه و تاخطی را برای حذف سنسور پیش برداشتند. آنچه در رابطه با ضرورت حذف ممیزی و سنسور کتاب، استدلال میگردند که، اگر بعد از انتشار کتاب چه کس و هر اگانی آن را مغایر با ضوابط حاکم بر نظام میداند پیتواند از تویستند و ناشر

و ظیفه دادستان و قاضی به یک نفر
محول شده است. یعنی دادگاه هم
در موضع دادخواهی قرار میگیرد
و هم در موضع قضاویت طبعاً در
چنین حالتی دادگاه از موضع
بیطرفی خارج شده و نخواهد
توانست رای عادلانه و دقیق صادر
نماید.

وجود مشکلات بیشمار و
بور و کراسی عظیم در سیستم
تشائی کشور امری است مسلم.
برای غلبه بر مشکلات باید نظام
موجود دگرگون شود، ولی نظام
جایگزین آن باید مترقبی تر،
جامع تر و ممکنی بر تجارب ارزشمند
نقاط کشور ما و کشورهای
پیش فته باشد. لایحه دادگاهی
عام نه گامی به جلو بلکه بازگشت
به نظام قضائی جوامع قبیله‌ای
است.

این لایحه با مخالفت جدی
قضات و ولایت و دانشجویان حقوق
دانشگاه‌های کشور مواجه شده
است. آنها مرتبه در روزنامه‌ها
”لایحه دادگاه‌های عام“ را
مورد پرسی و نقد قرار می‌دهند.
غلامعلی سبحانی یکی از ولایتی
دادگستری در مورد این لایحه
میگوید: ”لایحه دادگاه‌های عام
به صورتیکه از آن صحبت می‌شود
برای آشنایان به علم حقوق و کسانیکه
با امور قضاؤت سرو کار
دارند نه تنها تعجب اور بلکه غیر
قابل تصور و باور نکردنی است.“
(روزنامه کیجان ۱۸ شعبنیور
(۱۳۷۵)

ولی مجلس شورای اسلامی
بی توجه به این مخالفت‌ها و
انتظارها کلیات لایحه را تصویب
کرده است.

خواهند افزود. در حالیکه با تشكیل دادگاه‌های قام نه تنها بر سرعت رسیدگی بدهمای افزوده نمیشود بلکه کنندی کارهای افزون تر خواهد شد، زیرا تقسیم کاری که بر اساس تخصص و تجربه قضات و دادیاران، و بازپرس‌ها وجود دارد، تا حدود زیادی موجبات تسهیل و تسريع کارهای میشود.

در موضوع قضایه آنچه اهمیت اساسی دارد رعایت عدالت و تضاد صحیح و بحق است. شرط اولیه تأمین این امر، دانش و تبحر قضی است. در جوامع کنوتی امور قضائی و حقوق به رشته‌های گوناگون تقسیم شده است. برای هیچ کس امکان پذیر نیست که در همه رشته‌های مختلف حقوق جزاً حقوق مدنی، حقوق بازرگانی، حقوق کار و بیمه‌های بری و بحری و هوائی و ثبت استناد و املاک، ثبت شرکت‌ها و موسسات صفتی و اختراقات و... صاحب تخصص و مهارت باشد. یک قاضی به هیچ وجه نمیتواند به کلیه مسائل فوق رسیدگی کرده و رأی صحیح و مطلقب با قوانین صادر نماید. بالنتیجه با اجرای دادگاه‌های قام، ناهنجاریها و مشکلات غیر قابل وصفی بوجود خواهد آمد و رای‌های بشدت ناعادلانه و نادقیقی صادر خواهد شد.

در حال حاضر حداقل ۵۰ درصد پرونده‌ها در دادسرای صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب، از جریان رسیدگی خارج می‌شود و باقیمانده پرونده‌ها به دادگاه ارجاع میگردند. با این وجود وقت دادگاه‌ها ۶ ماهه و یکساله است. حال اگر دادسرای حذف شود و کلیه

بیانیه از صنحه اولی
نتایجی و انشاء رای بوسیله حاکم
دادگاه صورت خواهد گرفت^{۱۰}
(ماده سیزده).^{۱۱} پارهای از
اقدامات و تحقیقات و تضمیمات
میتواند به دستور و زیر نظر حاکم
دادگاه و بالحظه موازین شرع و
قانون بوسیله تقطیعات تحقیق به عمل
آیدیابرخی از اقدامات و تحقیقات
به ضمن ترتیب توسط خاطلین
دادگستری یا مراجع ذیصلاح
دیگر انجام پذیرد^{۱۲} (بصরه ۱
ماده سیزده).^{۱۳} وظایفات تحقیق
تحت نظارت و تعنیمات تقطیعات و
دادگاههای عام منطبقه نتایجی خود
سمده دار انجام کلیه امور
مرجوعه در جریان تعقیب و
رسیدگی و اجراء
میباشد^{۱۴} (ماده چهارده).
از تاریخ لازم الاجرا شدن این
قانون، رئیس قوه قضائیه موظف
است حداقل طرف مدت ده سال
به تشکیل تدریجی دادگاههای
عام و انحلال دادرس آهای شمومی و
دادگاههای کیفری و حقوقی
و مدنی خاص مربوطه و اتخاذ
تصمیمهای ضرور در زمینه تعلیم
و تربیت نیروی قضایی واجد
شرایط موجبات اجرای این
قانون را در سراسر کشور فراهم
نماید.

چنانکه ملاحظه میشود با
تصویب و اجرای این لایحه،
دادسران خانه بیکردد و امور
کیفری مستقیماً در دادگاه مطرح
خواهند شد. دادگاههای که بد
کلیه امور جزاگی، تجاری،
حسابی، مدنی و خانوادگی
رسیدگی مینماید. یعنی در کلیه
دعایی شاکی و مدعی به دادگاه
مستقیماً بر اجتعه و دعوی خود را
محظی میکنند. دادگاه هم، اسا

لایحه "پذیرش و کیل مدافع"

از تصویب مجمع تشخیص مصلحت گذشت

دستگاههای قضائی و انتظامی
رژیم از اجرای آن سرباز نزنند.
رژیم باید از برگزاری دادگاه‌های
در پسته خودداری کند و طبق
مصوبه فوق که البته در قانون
اساسی جمهوری اسلامی نیز
تصویح شده است، به کلیه
متهمین سیاسی و فیزیوسیاسی
امکان داده شود که از وکیل
مدافع برای دفاع از حقوق خود
استفاده کنند.

طبیعی است که کلید احکامی کد تاکنون در دادگاههای درسته و بدون حضور و کیل مدافعانه و با اهمال نشار و شکنجه صادر شده است، **فیر قانونی** است. ضروریست که برای استیغای حقوق پایمال شده آنها که زندگاند و بدبست جوخدهای اعلام سپرده شده‌اند، اندامات فوری صورت گیرد و دادگاههای آنها با تنظیم پرونده‌های جدید و باحضور و کیل مدافعانه در تمامی مراحل تجدید

باید با پهره کیری از این قانون
از تکرار فحا یعنی که تاکنون در
بازداشتگاهها و بازجویی‌های
وحشیانه و توام با شکنجه از
از داشت شدگان بویژه مخالفین
سیاسی رژیم انجام شده است جلو
گرفت. این هم بر عهده همه
فراد دینفع و نیز کلای شرافتمند
ست که در راه اجرای آن پافشاری
نمایند.

رژیم را به قبول رعایت موازین و
رفتار انسانی با مخالفین و جتheimین
و برخورداری آنها را از حق دفاع
در مقابل خودسری های
دستگاه های سرکوب و قضائی
رژیم، فراخوانده است و اکنون
نتنها پیگیری و مطالبه مستمر همه
کسانی که در اجرای آن ذینفع
هستند، می تواند رژیم و

حقوقی و کیفری و دادگاههای
نظامی، دادگاههای ویژه نیروهای
مسلح، دادگاه ویژه روحانیت
و... وظیفه دارند در کلیه مراحل
دادرسی و بازرسی و تحقیق،
حضور وکیل مدافع از جانب
صاحبان دعوا را پذیرند. در این
ماده درباره ضمانت اجرای چنین
وظیفه‌ها تاکت شده است که اگر

دادگاه های صحیح:
 :: دادگاه های حلخ: رسیدگی به کلید دعاوی حقوقی (مالی) تا
 دویست هزار ریال.
 :: دادگاه مدنی خاص:
 رسیدگی به دعاوی راجب به نکاح- طلاق- نفقة- مهر- خضانت- نسب و
 وصیت- وقف- ثلث- حبس- تولیت-
 وصایت- امور راجع به نصب قیم و
 ناظر- وضم امین و عزل ائمه.
 :: دادگاه کیفری یک:

خواهد شد، در نظام تئاتری فعلی، دادستان در هر دعوی مدارک و دلایل را جمع آوری می کند و اگر تشخیص داد که متهم باید مورد مجازات قرار گیرد، کیفر خواست برای او صادر کرده و به دادگاه احاله می دهد. دادستان به عنوان مدحی عهوم به دادگاه می رود و در آنجا طرح دعوا می کند. در دادگاه متهم و کیلا مدافعت دفاع

دليل اصل تدوين کنندگان
این لایحه بعارتند از ۱-۱-اسلامی
کردن نظام دادرسی، در نظام
 قضایی اسلام دادرسی از ابتداء تا
 انتها و تاصدور رای نهایی به محمده
 یک قضی باصلاحیت عام می باشد و
 بنابر این نظام دادرسی فعلی (در
 امور کیفری) که مرحله تعقیب و
 تحقیق تا صدور کیفر خواست به
 محمده دادساو دادرسی و صدور

دیدار رئیس حکومت ترکمنستان شور وی از تهران

باید با پهره کیری از این قانون
از تکرار فحا یعنی که تاکنون در
بازداشتگاهها و بازجویی‌های
وحشیانه و توام با شکنجه از
از داشت شدگان بویژه مخالفین
سیاسی رژیم انجام شده است جلو
گرفت. این هم بر عهده همه
فراد دینفع و نیز کلای شرافتمند
ست که در راه اجرای آن پافشاری

بسیاری از میل حدود اسلامی،
اصاص و سنجار و ... است و نه تنها
شانه های قابل توجهی از تغییر در
نها نیست بلکه کوششگران نیز در
یان است که این روش ها ثبت
مود، از جمله تصویب «لایحه
ادگاه های عام» در همین
استاست.

با وجود همه این ها، از تصویب
بن قانون باید استقبال کرد و همه
داده اندامه ۱۴-۲-۳-۴-

حکرام با دیگر دست امدادگران
مور تضائی موقعيت يكسانی
خواهد داشت.

با تصویب و تایید مجدد این
لایحه از سوی مجمع تشخیص
مصلحت "موانع" قانونی اجرایی
مقاد مصوبه مزبور برداشته شده
ست.

مصطفویه فوق را در مجموع باید
حاصل تلاشی دانست که در این
سالها د، داخل، خا، ج، ا، کش،

ظرفین به توسعه ارتباطات و
بازدالت بازارگانی و نیز همکاری
در ساختن سد پرروی رودخانه
مای مرزی و وصل خطاهن سرخس
و عشق آباد اعلام آمادگی کردند.
رساس این یادداشت در آینده
مایندگی های جمهوری اسلامی و
جمهوری ترکمنستان شوروی در
شق آباد و تهران ایجاد خواهد

تمایل خود را برای گسترش
مناسبات یا یکدیگر اعلام کردند.
قبل از سفر نیازوف، روز اول
مهرماه مرز میان ایران و
جمهوری ترکمنستان در
باچگیران طی مراسمی با حضور
مقامات طرفین بازگشایی شده
بود، طی یادداشت تفاهمی که در
سفر نیازوف میان او و مقامات

سه شنبه هفته گذشته نیاوف
رئیس جمهوری ترکمنستان
شوروی در رأس هیاتی ه عنقره
برای دیداری دو روزه از ایران
وارد تهران شد. نیازف در این
دیدار با هاشمی رفسنجانی نیز
ملاقات و پیام کتبی میخانیل
گاریاچه رئیس جمهور شوروی
استلسیم و کرد. در ملاقات های

روابط اقتصادی ایران و آلمان رونق هی یابد

می‌افزایید: "ما همواره حضور داشتیم، حتی زمانی که بمب می‌افتد." آدمایت خاطرنشان می‌کند که حتی در دوره‌های دشوار سیاسی، مذکورات ایران و آلمان هرگز قطع شده و اگر نه در عالی ترین سطح، حداقل در سطح مدیران کل وزارت خانه‌ها جریان داشته است.

یک کارشناس موسسه شرق‌شناسی هامبورگ چنین اظهار عقیده کرده است که رفسنجانی نوعی سیاست گشودن در راه پیش‌می‌برد که به تجارت ایران و آلمان کمک می‌کند، او می‌گوید رئیس جمهوری اسلامی که در داخل کشور با مخالفت بنیادگر ایران روبرو است، دلایل کافی برای تلاش جهت تحقق رشد اقتصادی دارد. به عقیده این کارشناس، "ایران در آستانه یک درگیری داخلی بهعلت بحران اقتصادی قرار گرفتاست. اگر ملیان نتوانند چاره‌ای بیاند، بزودی در بن بست قرار خواهند گرفت،" این کارشناس می‌گوید بخش بزرگی از مردم ایران "بزیر سطح فقر زندگی می‌کنند و به عیج چیز بداندازه بعیود وضع اقتصادی علاقه‌دارند."

از نخستین موضوعات همکاری اقتصادی ایران و آلمان، گسترش زیر ساخت اقتصادی ایران است که بخش از آن در جنگ از میان رفته است. بعنوان نمونه، اواخر ماه ژوئن شرکت زیمنس توانست سفارشی برای ساختن یک نیروگاه بهارزش ۶/۲ میلیارد مارک از ایران بگیرد. از دیگر شرکتها که هم سهم بزرگی از تجارت با ایران را دارند، می‌توان از آ، ا، گ، استاندارد الکتریک لورنس، تسوبیلن و مرسدس بنز نام برد.

مرغ افزایش پیدا کرده جرات تکرده‌ام آنرا بخرم، مگر یک حقوق بیگر چقدر در آن دارد. حال هم ناچار بخرم چون در خانه بیمار دارم،" او می‌گوید: "از وقتی قیمت مرغ و تخم مرغ افزایش یافته فروشگاه‌های مرغ و تخم مرغ خلوت شده‌اند."

بانک کشاورزی اعلام کرده است که روزانه دهها تن گوشت مرغ تولیدکنندگان خواهد شد تا قیمت مرغ در بازار تعادل پیدا کند. گوشت مرغ ارائه شده توسط بانک کشاورزی به صورت منجمد و سته بندی است و قیمت کیلویی آن ۱۵۸ تومان است که تفاوت چندانی با قیمت بازار آزاد (کیلویی ۱۷۵ تومان) ندارد.

جمهوری اسلامی،

مال خروشیک دزدان

وقتی بر اثر جنگ خلیج فارس، کنترل بخش‌های وسیعی از خاک هراز از دست رژیم بعد از خارج شد، اتومبیل‌های پتاندگان کرد و شیعه و چه بست دزدان راه‌ران خواهند شدند، این آوارگان رهسپار ایران شدند، از مردم‌های شریک کشور به ایران آورده شد. جمهوری اسلامی نخست مقرر کرده بود که

به گزارش مطبوعات آلمان، صادرات این کشور به ایران برخلاف صادرات آلمان به سایر کشورهای اقتصادی این رقم در مقایسه با سال گذشته ۸ درصد کاهش نشان می‌دهد. همچنین واحدی اقتصادی پنج ایالت جدید شرق آلمان افزایش صادرات به ایران سه‌می‌نیزده‌اند، جرم صادرات آلمان به ایران در سال ۱۹۹۵ افزایشی به این بیش از ۶ درصد را نشان می‌دهد. به گفته هربت زیدل، رئیس اتاق بازرگانی آلمان و ایران در سال ۱۹۹۱ می‌باشد، در شش ماهه نخست سال ۱۹۹۱، صادرات آلمان به ایران به سه بیلیارد مارک رسید. این رقم در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته یک افزایش ۸۴ درصدی نشان می‌دهد.

بیشترین سهم معاملات

پرسود صادرکنندگان آلمانی به ایران را باشین ها و تاسیسات ایران، با انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و نیز راضی‌ها و کره‌جنوبی که در استخراج نفت و یه‌ویژه پخش ساختمان فعالیت زیادی دارند، رقابت می‌کنند.

گرت آدمایت، کارشناس تجارت خارجی اتاق صنایع و بازرگانی آلمان، معتقد است که همکاری اقتصادی با ایران در "مسیر خوبی" جریان دارد و "دیگر موارد اختلاف ویژه‌ای وجود ندارد"، او نتیجه برش خواستگاری اسلامی ایران است که این در خرید زیر دریایی یا ادامه ساختمان نیروگاه اتمی بوشهر را از این روند مستثنی می‌داند و می‌گوید: "اینها مسائل داشته اند که نیاز به حل سیاسی دارند، آدمایت معتقد است که همکاری اقتصادی با ایران در "مسیر خوبی" جریان دارد و "دیگر موارد اختلاف ویژه‌ای وجود ندارد"، او نتیجه برش خواستگاری اسلامی ایران است که این در خرید زیر دریایی یا ادامه ساختمان نیروگاه اتمی بوشهر را از این روند مستثنی می‌داند و می‌گوید: "اینها مسائل داشته اند که نیاز به حل سیاسی دارند، آدمایت معتقد است که همکاری اقتصادی با ایران در "مسیر خوبی" جریان دارد و "دیگر موارد اختلاف ویژه‌ای وجود ندارد"، آدمایت آمارهای دقیق در این میلیون مارک بالغ شد. مقام دوم را صنایع برق احراز کرده است، صادرات این نتیجه از ۳۴۸ میلیون مارک به حدود ۴۹۵ میلیون مارک به حدود ۷۸۶ میلیون مارک افزایش یافت. رده سوم متعلق به سازندگان اتوبیل است که صادرات اینها از حدود ۱۶۴ میلیون مارک به ۴۳۷ میلیون مارک رسید.

کشاورزی آلمان، در صادرات

زیمنس مسائل اقتصادی، کاهش نرخ رشد نقدینشی را بعنوان یکی از معیارهای مهم نام می‌برند ولی از ارائه آمارهای دقیق در این صادرات کشاورزی با سال گذشته، حجم ۲۵۳ میلیون مارک، بیش از چهار برابر شده است. این در حالی است که صادرات اینها شیمیایی

بخصوص مرغ، تخم مرغ و گوشت

قرمز باز هم افزایش یافته است.

بعداز برچیده شدن کوپن مرغ و تخم مرغ متوجه کوتاههای قیمت آنها کاپش یافت، اما پس از چند روز به افزایش گذاشت.

قبل تولیدکنندگان تخم مرغ را

به دولت می‌فرختند، ولی زمانیکه کوپن مرغ داده شده است. در مقایسه شش ماهه از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

حسنی تاضی زاده هاشمی نهاینده

فریمان، احمد آباد و سرخ‌آماری از میزان رشد نقدینشی در سالهای اخیر، احمد آباد و سرخ‌آماری از ۶۶ و ۶۹ ارائه داده است. این دو سال بعدین همچنان در این روزهای نرخ رشد نقدینشی هم چنان رقم بالایی بوده از روزهای پیشین به برگزاری پنچاله رفته است.

باز از مرغ های رایا قیمت پائین به تخم مرغ و تخم مرغ رو

به دیگر اینها می‌فرختند. اینها

امثال و حکم؛ پژوهش تجارب توده‌ها

سازمان اسناد

تدوین کتاب کوچه، متکی بر دجاجه سال دلمشغولی متعهدانه و پی جوئی محققانه بوده است. به رغم گستاخی ناطلبیده و آسیب پار، باز سنتگین تدوین این اثر بر زمین نمانده و راهی سر منزل مقعده است. کتاب کوچه جهانند امثال و حکم دخدا و داستان نامه بهمیاری، از گنجینه های فرهنگ تاریخی است. شاملو در کتاب کوچه جهانند خواهی، ضمن توضیح زمینه و ساخته بسیاری از امثال عامیانه، صد ها تمثیل، افسانه، حکایت و روایت بالانشای خاص خود ثبت کرده و بر ارزش ادبی این اثر افزوده است.

بیانزدی فرهنگ عامیانه را توضیح داده است. می‌توان گفت که "داستان نامه جهمتیاری" نسبت به امثال و حکم استاد دهدزا لاحاظسپک کار و اسلوب فنی تدوین آن، ارای امتیازات معینی است، داستان امده بهمنیاری، یعنی از امثال و حکم دهدزا، در میان الالاتاتی که در زینه "امثال"؛ زبان فارسی صورت نتید است، فیضت به حابکاه، ادا، د.

پورا اسرافیل نوشت نشان داد که در آگاهی بر امثال و حکم هامیاندزبان فارسی و کاربرد آن به مثابه ریهای توده گیر در بیمارزه علیه استبداد و خرافات، استداد است. چند سال بعد (در سال ۱۴۹۳)، وقتی که ر روزنامه «ایران گفتونی»^{۲۰} سنتونی تحت نتوان «چرند و پرند» گشوده شد، این پاره سبک و یقایی دیگر، امثال و حکم را اهرم انشای مظالم تمازیانه انتباه خودکامکان چاچل کرد و سرانجام در بال جای جنگ جهانی اول (۱۴۹۳-۹۷) به هنگام ویز واقعیت اجباری در مناطق دور افتدۀ بختیاری، سرخ گرداوری و تالیف امثال و حکم زبان فارسی را

ضرب المثل، یکی از شاهدهای اصلی ادبیات و فرادر از آن، یکی از ارکان زبان است، بسیار پیشتر از آنکه خط و کتابت، قلمروی زبان را در اقالیم و اعصار فرا گشته و نیز پیشتر از آنکه حتی شعر، پیامگزار تخيیل و احساس آدمی گردد، از دل زبان محاوره‌ای مردم، کلامی صیقل خورده و از صافی تجربه و هقل معاش آدمی گذشته، پدید آمد که بخطار و پیشگویی هایی چون اختصار لفظه روشنی مهتنا، حسن تشییه و سنجولت کاربرد، دامنه اشری گشته بیافتد. حد بلاغت و درجه سرایت این کلمات حکمت آمیز قصار، چنان بود که گذشتگان

آن را «عيارات بالدار» نامیدند.
استاد علی اکبر دهخدا و استاد احمد بجهنیار به
استناد تعاریف متقدمینی چون ابراهیم نظام، عبدالله
بن هفتون و ابوالفضل میدانی و نیز فخلای
متاخر اروپایی و بر پایه تجارب و تحقیقات
مستقل خویش، هر یک تعاریفی از مختفات
«مثل» بدست داده‌اند. به روایت سلامه
دهخدا! «مثل» حکمت توده است... «مثل حقیقتی»
است از معاش که به همارتی مختصر و موثر در دوران
است... به بیانی دیگر، مثل، تشییه معمولی یه
محسوسی و یا محسوسی به محسوس دیگری است در
عيارتی گوتا و خصیح؟

به نظر استاد یغمینیار، «مث جمله ایست مختصر مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ، روشنی معنا و لطفات ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدوئ تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود بکار برند». در این باب، تعریف دوئن از محققین اروپائی نیز روشنگر آن است: «سن پیر» محقق قرن ۱۸ فرانسوی، مثل را «پاد آواز تجارب انسانی» نامیده و راسل محقق قرن ۱۹ انگلیسی آن را «نتیجه عقل یک جمع و نادره گه یعنی یک فرد» تعریف کرده است.

نقش امثال و حکم هاهم از همایانه و ادبی در سرنوشت زبان انکار ناپذیر است. در جه پایداری و بتای یک زبان را بسطه داده مستقیم با درجه فنای امثال و حکم و حد گستردنی و رواج آن دارد. تاثیر امثال و حکم فارسی در حفظ و وزنده نتاهداشت این زبان، روشن ترین گواه این مدهاست. امثال و حکم در قیاس با دیگر حوزه های ادب و فرهنگ، در بر ابر تعریض و بر اثر آن مهاجمان فرنگ ستیز دسترس ناید.
بوده است و بدبضع آن مقاوم تر بدهو خدا: "مثل در سینه ها میماند، چنانکه دوبار یا سه بار که تغییر خط ادب و تاریخ علوم گذشته مارا یکباره از روی زمین محو کرد، این قسمت را آن دشمن خانه برانداز نتو انسست از میان بردارد." ۱۱

قدمت و فنای امثال و حکم فارسی، در جمله طلوانی و رهم فرسای بودن و نیوین این زبان، حکم زردادخانه‌ای را داشت که بی آن، دستهای تھی از سلام، تنهای میتوانست بدغایت تسلیم بالا سایده

و اما جایگاد و منزلت این بخش از ادبیات و زبان در کشیده، ماء، به، فم اهمیت فر چنگی ؛ تا، بخی آن، تاحدن بس.

دیده اخیر شناخته نشد. از آثار ایرانی پیش از اسلام،
هیچ اثری که حاصل تدوین این شاخه از فرهنگ و ادب
ها باشد، در حال تواند محقق شود.

جهیزی، بزرگی این مکان، چشمگشیان، پیر و شرمن و این روزون و این دیده پاس، برای خود این فراغت، عمدتاً هم خود را مصروف تدوین و تالیف امثال و حکم زبان هنری کردند.

جامع برین بایف را، این رمیه آتوالصل احمد بن محمد نیشابوری میدانی، از فضلای قرن پنجم هجری، کرده است کتاب او "مجمع الامثال" است.

امروز بر عهداً "متل" هر بی و یاوار دشیده زبان هر بی است. به نوشته استاد بیهمنیار، در زمان شاه عباس صفوی، ضرب المثل جای ترکی نیز گردآوری

شد. امّا این زمان امثال فارسی هنوز در یک مجموعه مدون نشده بود. تنها کتابی که پس از این زمان (در قرن یازدهم چهارمی) در شیوه بخشی

از امثال زبان فارسی تالیف شد کتابی به نام «جامع المثلی»، اثر محمدعلی حبل رودی یو-مشتمل بر ۱۱۰۵ مثال و کنایه، که در آن نز امثال و

کنایات مخلو طو خود مرزا آنها مخدوش شده بود.
تنها در سال های پس از انقلاب مشروطیت بود که
نخستین کارهای پژوهشی جامع و اساسی
در تدوین امثال و حکم فارسی صورت
گرفت. بشخص ترین آثاری که در این زمینه پیدا شد
“امثال و حکم” استاد علی اکبر دهدخواه و “ادستان
نامه بحقیقتی، ” استاد احمد مجتبیان بود.

دستورالعمل از سال ۱۳۸۶ با همان مقالات اجتماعی

بررسی آثار پیش گفته دخدا، بجهنیار و شاملو،
قطعه نظر از ارزش فرهنگی اکنونا پذیر آنها بیانگر
برخی کاستی های راه گرفتار دادن آثار تیز هست؛

+ در امثال و حکم علاء دخدا، آنچه به عبارات
و امثالی درباره ایران و ایرانیان بر مبنی خوریم (از
جمله در جلد سوم در توضیح مصراج: «مزن زشت و
سیفارد از ایران زمین»^{۱۱}) ستایش های افراطی و
مبالغه آمیزی به نقل از شهرا و ادبیان، از ایران و
ایرانیان و نیز شاهان ایران می بینیم، چه بخش اعظم
آن یکجانبه و تعصب آلو دارد. گنجاندن نقل قول‌هایی
با حجم حدود ۲۰۵ صفحه از شاهزادان مختلف
برای توضیح همین یک مصراج، آن هم در تایید مقام
ویژه قوم ایرانی و عظمت شاجان، باستان، برآزند
محقق آزاده و ارستادی چون دخدا نبود. باین نکته
بد پایه تو جده داشت که در سال های میان جنگ
جمهانی اول و دوم ماز جمله در دوره تدوین
نهادی امثال و حکم^{۱۲} این گرایش یکچند،
در پرسیاری از روشنکران، محققین و
نویسندهای پدید آمد. در آثار سال جای پس از
۱۳۱۵ صادرات و مجتبی مینوی نیز یک
چشمی گرایش ایران خواهانه غلظی مشهود است.
تائیجا که حتی با تبارز نوعی حسرت و دریغ نسبت به
گذشته دور جهراه می شود.

علیم تعلیم که دخدا می امثال^{۱۳}

شیوه ای از میرزا کاظمیانه است که می‌گویند: «حکمت»، «کنایه»، «مصلح»، که امثال هامایانه و ادبیانه و اصطلاحات متداول و عبارات متروک، قائل است اما در تدوین کتاب «امثال و حکم» است. بخلاف اصطلاحات سلسله ای اساساً این تقسیم بندی ها را ملحوظ نداند و مدد را در یک مجموعه نامتناختم خواستند. طبیعی معتقد است که ^۱ این ژولیدگی اسلوبی در لغت نامده دخدا نیز دیده می شود و اصولاً عیبی است که سلسله گذشته ادبی و محققان ما (خرنثظر از ارزش و الای تحقیقی شان) ^۲ از آن مربی نیستند.
نشر ^۳ امثال و حکم ^۴ یعنی آنچه که دهدخدا، خود در توضیح امثال ساده نوشته است، برخلاف آنچه که از این پیشاجهنج ^۵ بی بدیل ساده نویسی انتظار هر رفت، عباری از تکلف منشیانه نیست. نویسنده مقالات ستادانه و عامه فهم ^۶ چرند و پرند ^۷ بی شک اگر می خواست می توانست از این تکلف بپرهیزد و مثال هامایانه و ادبیانه را موثرتر و نافذتر از این، بر ذهن و زبان مشتاقان بنشاند. بخصوص که هر صه کار چنان بود که میدان این جوانتری را باد او میداد.
استاد محمد دیر سیاقی در مقدمه فاضلانه که بر کتاب «گزیده امثال و حکم» ^۸ دهدخانه نوشته، این «زخواستن» را از زبان دکتر رعدی آذرخش چنین بیان می کند: «دهدخدا، از بیم آنکه در عدد مدعيان مقتطعه اجر و غربب زدگان سرگسته قلمداد است. مدد و شوود... ظاهرا برخلاف میل باطنی و سابقه ادبی خود تأثیرگردید از آن مقدار قدرت پیشروری و تحرك که در واپل مشروطیت در مسیر تحول و تنوع به حق در زمینه شکل ظاهر و قالب شعر و ترویج نثر ادبی و هامایانه و فکاهی بربزبان توده مردم، از خود نشان داده بود، در بقیه دوره حیات خود چشم پیو شد و هقب ششنبه کند».

استاد بهمنیار در مقدمه "داستان نامه بهمنیار" ، در استنتاج مشخص از این تعریف گفته که "مثُل در یک زبان نماینده ذوق فطری، قریحه ادبی، افکار، عادات، اخلاق و احساسات اهل آن زبان است" متسانه اسلوب واحد را راهنمای تقرار نمی دهد و احکامی متناقض ارائه می دهد. او وی نویسد : باز این امثال حیشی که "اگر آتایست نصف شب بگوید ظهر است، برایش قسم بخور که آنتاب را می بینی" و نظایر آن استلال مینمائیم که ملت اش خود را متصف به صفت، ذیله تمیه و جایل سرس

جایزه ادبیات نوبل برای نادین گوریمر نویسنده اهل آفریقا جنوبی

زبانها انداخت. از رهانهای دیگر
گکور دیمر می‌توان از "مجمان
فتخاری" و "سرگذشت پسرم
نام برد.



رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی که به زندان ابد محاکوم شده بود و با مجازات وزیبایی کم ظیری به رشته تحریر در آمده بدنام نادیم. ^۱ این دستور

نادین گوردیمیر نویسنده زن
اهل آفریقای جنوبی بود و نده جایزه
ادبیات نوبل شد. نادین گوردیمیر
در سال ۱۹۴۳ در یکی از محلات
فقیر نشین آفریقای جنوبی بدنیا
آمده او شمره زندگی مشترک یک
ساهنت ساز مهاجر اهل لیتوانی و
زن انگلیسی اش می باشد.
موضوع اصلی رمانها و اثار او
ژژادپرستی و ستیز باآن است.
نادین گوردیمیر راجع به خودش
میگوید: در وضعيتی که اگر قرار
باشد موثر باشی چاره ای جز
سیاسی شدن نداری من چیزی به
جز استعداد نویسنده‌گی خود برای
هرچه کردن ندارم. من
اساساً فیر سیاسی نستم.
چند سال قبل ممنوعیت رمان
”دختریک شجرونده“ که در آن
زندگی دختر یکی از اعضا

گسترش حملات نژاد پرستانه علیه شهروندان خارجی در آلمان

ویژه در میان اقشار پایینی جامده، زینه مساعد تبلیغات عوام فریبانه نتوانی ها و تزاد پرستان است که در تاریخ آلمان، یک بار سلاح شوراندن پست ترین روح حیات "تزاد پرستانه"^{۲۰} را آزموده اند، "چوخ بختیار"^{۲۱} های آلمانی دوست دارند باور کنند که اگر وضع اقتصادی انطور که باید باشد نیست، اگر بیکاری و فقر هست، مربوطه خارج جیانی است که از شرایط قریب قابل تحمل کشورهای خود به آلمان پناه دهاند.

آچه به نژاد پرستان کمک می کند، سیاست دولت دست راستی هلموت کول است که به جای درس نگرنتن از تاریخ آلمان و تسلیم نشدن بد جو سازی فاشیستی، قصد دارد باحدود کردن حق پناهندگی و خراجر اج سریع کسانی که تقاضای پناهندگی آنها را می شود، فشار بر ایجاد خارجی را فرازیشد دهد. این در حالی است که آلمان که شاید مرغتیرین کشور دنیا باشد، در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان سوم، از جمله ایران، به نسبت جمیعت خود پذیرای سهم بسیار ناچیزتری از پناهندگان است.

غاییر فرم و تایع هفتاد های اخیر آلمان، اتحاد دمکرات مسیحی، حزب حاکم این کشور که هلموت کول صدراعظم، و هر آن است، حاضر نشد همراه با حزب سوسیال دمکرات در پارلمان این کشور نقطه عنایم مشترکی علیه نژاد پرستی به تحریب ساند.

بقيه از صفحه اول پناهندگان در شهر کلن گفت که می خواهد با اين اقدام، به اتباع خارجي مقيم آلمان اطمینان دهد که می توانند بدون هراس، به زندگی در آلمان ادامه دهند. يکی از عوامل مهم آماده شدن زمينه برای تشديد فعالیت نژادواریها، او ضامن تاسیمان اقتصادی در شرق آلمان است که به ورزشتابزده وحدت غرب و شرق آلمان باز می گردد، اقتصاد شرق آلمان، بدون طی مرحله گذار، به بکاره از يك اقتصاد برنامه ریزی شده وارد حیطه قوانین سرمایه داری شده است. کار خانه ها و سایر موسسات تولیدی و خدماتی را به سرعت خصوصی می کنند. بسیاری از این واحدهای قادر به رقابت با شرکتهای غربی نیستند، تعطیلی می شوند و یا ناجا می گردند کار کنان خود را دسته دسته اخراج کنند. بیکاری در شرق آلمان بیداد می کند. جمچین خدمات رفاهی و اجتماعی يکی پس از دیگری از میان میروند، کرايه مسکن که در گذشت بخش ناچیزی از درآمد مردم آلمان شرقی را بخود اختصاص می داد، به سرعت بالا می رود، در حالیکه هزینه های زندگی با آنکه سریعی به سطح شرب نزدیک شده است، درآمد مردم شرق آلمان بسیار کند افزایش می یابد. همه این عوامل، دست به دست هم داده و در شرق آلمان، به بحران اجتماعی دائم رزده اند. اذحان نایخته جوانان و نوجوانان، به

بکارگیری آهن (توسط جمشید) نقل شده است.
درست تر این بود که علاوه بر روایات رایج مربوط به
حضرت آدم و داود و سلیمان، روایات مشابه ایرانی

این نکته را نیز باید در رابطه با اسلوب تدوین کتاب کوچه افزوده در جریان نشر جلد های چهارم و پنجم، بتدریج بخشی از کاستی های فنی جلد های خسارت دیده شده ایجاد کردند. تدقیق یک چنین اثر سترگی نیاز مند تجدید نظر مدام است، بنظر میرسد مولف این اثر، خود بیش از هر کس دیگر، بدایعاد فراخ دامن کاری که می کند و ضرورت بازنگری و تدقیق

داداوم آن، واقع است.
تالیف اثاراتی چون «امثال و حکم»، «داستان نامه» و «کتاب کوچه» محصل احساس تعداد عجیب مولنگان آن نسبت به فرهنگ مردم ماست و قطع نظر از کاستی های ناتایز یا اجتناب پذیر آن، در خورد بالاترین ارج گذاری هاست. تدوین آثاری چنین، قابلیتی فراتر از توانانشی های متعارف یک ادبی محقق طلب میکند. استاد بعمنیار درباره اثر خود، فروتنانه گفته است: «هر وقت که باین نامه محقر نظر میکنم آنرا مملو از نواقصی می بینم که رفع آن از حدود توانانش یک فرد عادی خارج است». روش انت است که «فرد عادی» بمعنای رایج آن منظور نیست. شاملو نیز درباره اثر خود یک چنین قضاؤی دارد: «کاریست بتمام معنا ناقص، زیرا تدوین فرهنگ توده هرگز از تختستین گامها برخواهد گذشت و هرگز به حدود قابل قبولی نخواهد رسید مگر اینکه همگان در کار آن شرکت بجویند. الگوئی در اختیار باشد و معتبر، نقطه شروعی...»

با آنچه که از زمان دهخدا فقیه تابه امروز گرد
آمده است، و توجهی که بخش اعظم روش‌شناختگر ان مابه
فرهنگ مردم دارند، میتوان از وجود زمینه‌ای
مساعد برای تکوین یک چنین نقطه عطفی سخن
گفت، اما بی‌گمان، تدارک "شرکت هجان" و
بفرجام رسانیدن این وظیفه فرهنگی سترگ، کار
چند مساله یک فرهنگستان است.

آیا آتش بس یو گسلاوی پایدار خواهد بود؟

کشورهای غربی باید اراده مردم جمهوری جای استقلال طلب را پذیرند. شان می‌دهد که چنین وقنهای ر جنگ، زیاد به طول می‌انجاد.

در آستانه توانق اخیر آتش بس،
مقر فرانجو تو جمن رئیس جمهور
کرواسی مورد حمله
هلی کوپتر های ارتش یوگسلاوی
قرار گرفت. هنگام این حمله
استیپه مزیچ نماینده کرواسی در
شورای ریاست جمهوری
یوگسلاوی و هارکو ویچ نخست
وزیر یوگسلاوی در حال مذاکره با
رئیس جمهوری کرواسی در مقر
او پویند و وزارت دفاع یوگسلاوی
بدنبال این حمله اعلام کرد که
دستور انجام آن را نداده است و
احتمالاً این حمله از جانب یک
واحد تحت محاصره ارتش قدرال
صورت گرفته است.

در اوایل اکتبر، سه نماینده جمهوری خرسان و نماینده جمهوری مونته‌نگرو در شورای ریاست جمهوری یوگسلاوی تصویب کردند که از این پس برای رسمیت یافتن شوراء حضور چهار عضو از هشت عضو آن کنایت می‌کند. رسانه‌های فربی این اقدام را یک "گودتای سیاسی"^{۱۰} خوانده‌اند. صربستان

نشدید جنگ در کردستان عراق

از نبردهای هفته گذشته، حزب
دموکرات پارزیانی تمايل به توافق با
رژيم بغداد داشت و اتحاديه
میهنی در مقابل تاکید میکرد
انعقاد موافقت نامه نباید به
صورتی باشد که در انتظار،^۱ جیبه
کردستان^۲ به عنوان شریک
دولت هراق جلوه کند و درنتیجه،
حمایت های بین المللی را از دست
بدهد. کمال فواد، هشتو دفتر
سیاسی اتحاديه میهنی در
مصالحه ای گفت: است: ^۳ بدون
تغییر قدرت، بدون دمکراسی در
هر اق، راه حلی برای مسئله کرد
باشه خواهد شد.^۴

این اشعار، آن دقت و تأمل ادبیانه‌ای که لازم مه درک
و در ریافت ایهام کلامی حافظه است نیز متأسفانه دیده
نمی شود، چند نمونه:

در توضیح بیت (کفاف کی بعد این باده جا به
مستی ها / خم سپهر تعی شد رمی پرستی،) آمده
است: «نهماک در هر کار سبب حرص مفترطیر آن کار
می شود، چنانکه مداومت بر خمر موجب زیاد
نوشیدن خمر می شود».!! یا بیت (آسان بار امامت
نتوانست کشید / قرعه فال بنام من دیوانه زدند)
چنین معنا شده است: «برای انجام امور معن و
مشکل، جمیشه اشخاص متهم و بی پروا نامزد
می شوند»!!

و نیز در برابر بیت: (شد آنکه اهل نظر برگزاره
میر نتند / هزار گونه سخن دردهان ولب خاموش)
این توضیح آمده است: « وقتی که زمامداران
ملکت اهل فضل و دانش باشند، ذلا و دانایان ترقی
کرده قلم و هنر توسعه می یابد»!!

- "کتاب کوچه" احمد شاملو که نزدیک به نیم قرن پس از امثال و حکم دهدخدا و داستان نامه بهمنیاری، تدوین شده است، از امتیاز تاریخی، سود جسته و توانسته است از بسیاری از کاستی‌های اسلوبی و تاجدی مضمونی دو اثر پیشین بپرهیزد. موضوعات فرهنگ علمایانه در این کتاب بحث عناوینی متمایز، طبقه‌بندی شده است. این طبقه‌بندی بلحاظ اسلوبی ضرور بوده راه بررسی‌های دقیق‌تر را هموار کرده است، اما در عین حال در همواری - که اندک نیست - یک مضمون مثلی یا حکمی، به صورت مختلف، تحت عنوانی متفاوت از جمله تعبیرات مصدری و ترکیبات دیگر، ثبت شده و به تکرار و تطویل مطالب ان مجموعه انجامیده است. اگر متعیار نقل مطالب، حد تداول آن در ذهن وزبان مردم باشد، در آن صورت انتخاب، ممکن واجتناب از تکرار، میسر است.

- در کتاب کوچه، علیرغم تمایز عنوانین،

خی از امثال
نظر میر سدبا
بار گوشیده
تناکند. آنهم
وق العاده ای
یافته‌اند،
مکن است به
شعر حافظ
ح اختصاری
در توضیح

در جنگ داخلی یوگسلاوی
برای چند میین بار، مقامات ارتش
نذرال و جمهوری کرواسی توانست
کردند که آتش پس برقرار شود.
موافقت نامه آتش پس روز نهم
اکتبر از سوی فرمانده ارتش
یوگسلاوی برای کرواسی و
متاون فرمانده نیروی شبه
نظامی جمهوری کرواسی به امضا
رسید. این موافقت نامه پیش‌بینی
می‌کند که شبه نظامیان کروات به
محاصره پادگانجای ارتش
یوگسلاوی در کرواسی پایان
دجند تاریش بتوانند سلاحهای خود
را از منطقه خارج کند. در مقابل،
ارتش قول داده است به محاصره
بنادر جمهوری کرواسی در ساحل
دریای آدریاتیک خاتمه دهد.

از آنجا که طرفین جنگ بارها توافق های اتش بس را نقض کرده اند، معلوم نیست که به تعداد این بار خودمنی بر خاموش ماندن سلاحها تا زمان ادامه مذاکرات صلح در لاجد پایتخت هلند و فنادار بیانند. هر چند در دو روز نخست پس از توافق اخیر، در گیری های به تیر اندازی های پراکنده ای محدود بود، تجربه های اخیر

بقیه از صنمه آخر
کنندگان به این درخواست نداده
است،
موافقی که طالبانی بدان
اشارة کرده است تنها به مسئله
کرکوک که احزاب کرد در مورد
آن متفق القولند، مریبوطنی شود.
یکی از نکاتی که اتحادیه میهنی
بدان اشاره دارد و در طرح
موافق تامه آمده، این است که
جمهه استانداران استان های
کردستان، فرمانداران و
شهرداران و بخشداران این
منطقه باید تابع وزارت کشور
باشند نه دولت خود مختار

می باشند^{۲۲}! در حالیکه استاد، وقت
از^{۲۳} امثال^{۲۴} مشابه ایرانی به میان می آی
بکلی مغایر آن می کند. بجهنمیار می نویس
سیاھان ملل در سیاحت نامه های خود،
به لاقیدی در زندگی، تسلیم در بر ابر حوا
تفویض امور به قضا و قدر، عدم معنوی و ای
نموده اند. منشاً این تصور خالی از
معاشرت با محدود ایرانیان لاابالی است
در هر ملت یافته می شود، لکن اهل بصیر
می توانند عقیده اکثیریت ملت ایران و
معنی و توکل، از مقایسه امثال دیگر است
و فحجب اینکه خود ایشان که
و تحقیق اند این اسلوب رادر استنباط از
حبشی از یاد می بزند و آنچه راکه
نمی پسندند بر ملتی دیگر را می دارند.
در رابطه با نقش قضا و قدر در او
مردم ایران، استاد دهدخا واقع
می بیند:^{۲۵} «راجع به قضاؤ قدر، امثال علم
بسیاری در این کتاب (امثال و حکم) داده
این حقیقتی بوده است که اینهمه نوع
ایران بوده است و من کتبیان آن را رو
آخر در یک مملکت که قرن هایه ملوك الـ
شده و همیشه مورد تعاجم اعادی بوده
اسیر شب و ماجر اجوى امروز، سلطان

- توضیحاتی که استاد بمنیار بر پر
شعری از جمله اشعار حافظه شده است، بهم
تامل کافی صورت نگرفته است. بهم
است شعر حافظرا در یک یا دو جمله
اشعاری را که ارزش تعبیلی و کتابی
دارند و به برگت ایجاز کلام، خصلت می-
توانیم شعر حافظدر چند کلمه بندرت.
محدود کردن دایره معنای آن نیانجام
نیازمند تفسیر و تحلیل است نه توپو
بیشیوه کتاب های فرهنگ لغت، مضاف این

آیا جهان یک بازار است؟

* آیا سیستم جهانی می تواند به یک بازار جهانی محدود گردد؟

پختہ دوم

سہیر امین

در میان برخی طبقات یا
نشریهای بینایینی جدید، دهقانان
دولتمند یا کارفرمایان کوچک
احمایان اجتماعی خود را بدست
اورده. عیناً همان وضعیتی که
در جهان سوم وجود دارد.
طبقات توده‌ای باشدتاوان این
آنطباق^{۱۰}ها را به بخای
تغییرهایی که شمرده را شدت داده
و بر تأثیری‌ها و وابستگی
افزوده‌یا به عکس آنها را تخفیف
داده است؟

سرمایه‌گذاری‌های خالص در چین ۱/۵ برابر بیشتر است. برای چین و ام خارجی بسیار انک در ارتباط نسبی بازیزینه خدمات آن تسبیت به صادرات (سده بارسپک تر است).

فراتر از این ملاک‌ها، کامیابی‌های چین در دو قلمرو پیش گفته قابل مقایسه نیستند برای اثبات این که توزیع درآمد بطور بنیادی در این دو کشور متفاوت است، ابداعه «amarها» انتیاز نیست. در چین هیچ جامنظره فقر فیر انسانی که در همه جای گندبراحتری با آن برخورد می‌شوند، اما تفسیری به چشم نمی‌خورد. با این که وزن مصارف اداری (که از میانه ۸۰ در چین سیک تر شده) به نظر قابل مقایسه است، معتاذک موثر بودن آنچه دسترسی به خدمات اجتماعی برای قشرهای مختلف مردم در چین اثیر میس نباشد، بدتر نیست. در زمینه وابستگی خارجی داوری دشوار است. جمش صادرات چین در دهه ۸۰ که تنیجه انتخاب سیاسی- اداری است، قابل توجه و برسی است.

داده‌هایی که اقتصاد رسمی فراهم می‌آورد، پاسخ به این سوال هارا ناممکن می‌سازد. بزیر اصولاً از تماس با آنها استفاده‌ای که از این داده‌ها می‌توان کرد، بسیار محدود است. این داده‌ها در شایم آماری مندرج در آخرین گزارش‌های بانک جهانی خوانده می‌شوند، اما تفسیری به بانک جهانی به آنها گره می‌زند، یکسره میان تعی و بی موردن (و مقدمتاً بری مشروطیت بخشیدن به دگم‌های خاص آن) است و مناسب منطقی با این «داده‌ها» ندارد. بدون شک بانک جهانی بنابر تقدیم اخلاقی «گاه گاه یک سلسه مطالب در ارتباط با فقر» را بگزارش خود سنجاق می‌زند. انتخاب این اصطلاح که برای او معنای خاصی دارد، به زبانی ادا می‌شود که زبان علم نیست، بلکه واژگان بحث‌هایی است که چند میلیون یا رجل دولتی در ضایافت‌های نوهدوستانه به زبان می‌آورند. هرگز فقر موردن بحث به مکاتیسم‌های روشن آتی

بپردازند، و این وضعیت آنطور که رجبان جدیدان کشورها سعی در باوراندن آن دارند، بهیک دوره کوتاه گذار^{۲۳} اختصاص دارد، بلکه یک امر قطعی است. این طبقات دربرابر این تحولات اگربر چه حکم‌العملی نشان خواهند داد. پی بردن به این موضوع هنوز زوداست. البته باید منتظر واکنش‌های ممکن درون تاب بود که ناسیونالیسم‌هایی باکیفیت پائین را (که سلطه فرب را آماج قرار نمی‌دهند) تذیله می‌کنند، این ناسیونالیسم‌ها جمانتetur که این کشور جدران شالهای ۲۵، ۳۵، ۴۵ شاهد بوده‌اند، پایه دیکتاتوری‌های «پوپولیستی»^{۲۴} را تشکیل می‌دهند.

رویدادها در ارتباط با شوروی سیار برق نج اند. سرشت کشمکش‌های جامعی، در ک جدف‌ها، نقش این کشور به مثابه ابرقدرت نظامی و حدت مسایل ملی به نحوی با هم گره خوده داند که حتی تحلیل‌های مبنی بر بحترین طلاعات از مدده چند و چون آتی

اسداد تغیریا کلی کشور به روی
مبالغات خارجی که
امپریالیسم در دهدهای ۵۵ و ۶۰
تحمیل کرده بود، موجب شد که
چین به شیوه معین و به طرز
مشتبی از آن برای اتکا به خود
و دست یازیدن به دگرگونیهای
تریخواهانه عظیم اجتماعی
دربرابر خطرات نشار خارجی
استفاده کند. علاوه بر این کمک
شوری در دهه ۵۵ از
لحاظ خشتن شالوده ریزی
ظرفیت های صنعتی تکنولوژیک و
نظمی نباید فراموش گردد. اما
سرانجام جهش به سوی واردات
(کپرداخت زیاد از محل
صادرات رالازم داشت) به
دورنمای "چهار مرحله مدیریته
کردن" (چون لای) تحمیل شد.
آیا این گشودن در رازهایه به روی
واردات بروند مسلط تبدیل شده
است؟ جواب دادن به همان
نسبت که آثار فاسد آن غالباً
از مجرای تمایلات مصرف
کنندگان همتاز دهن
می گشاید، دشوار است. با اینهمه
طبیعت قدرت در چین که چون
هند مستقیماً و منحصراً توسط
طبیقات بورژواهمال‌نمی گردد، تا
اینجا فشارهای منفی محیط
بین‌المللی را محدود کرده است.

ستایش اقتصادی ربط داده
نمی‌شود.

از این رو، تفسیر من درباره
کامیابی‌جای جهانی شدن از این
قرار است: به احادیث
نخست اینکه: اقتصاد
سرمایه‌داری جهانی واقعاً از
پایان دهه ۶۰ در بحران است.
مرحله درازمدت رشد مداوم از
پس از جنگ دوم جهانی به پایان
رسیده است. از ۱۹۷۵ میلادی
متوسطه رشد تولید ناخالص داخلی
به دو سوم دوره پیش و نزد های
متوسط تولید کشاورزی و صنعتی
به نصف تقلیل یافته است. اقتصاد
رسمی در ارتباط با
رویدادهای اقتصادی ("کنندی
تولید"، "واکشت" وغیره)
روی تحلیل تسویات سال به سال
اصرارهای ورزد، حال آنکه مسئله
ماهند همیشه بارت از مرحله
دگرگونی ساختاری
برپایه "بحران" (فاز B سیکل
طلولانی) است که رفرش فراملی
شدن آن یکی از عناصر اصلی را
تشکیل می‌دهد. وانگهی، مترکز
شدن توجههای فروپاشی
سیستمی ضرورتا در آینده یا به
سوی شکل گیری سرمایه‌داری
بیشتر فندهم (قطب جدید) و یا با
ضمون اجتماعی خود به طرف
دامه تحول ترقیخواهانه راه
خواهد داشت.

با هشت شده است که پایه بحران ساختاری که تحولات اوضاع بر پایه آن جریان دارد، فراموش شود.

دوم اینکه: فروپاشی سیستم‌های اقتصادی (و سیاسی) اروپای شرقی، آینده نامطمئن شوری و چین دومین بعد اصلی دگرگونی ساختاری چاری را تشکیل می‌دهد. من این چاکوانده را به آنچه در بازه موضوع (آینده سوسیالیسم) نگاشته‌ام، فرامی‌خوانم.

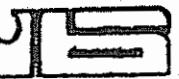
سوم اینکه: تحول و پیشرفت چین و هند با توجه به حجم‌های تکنولوژیک، مالی، واد فذایی، صنعت، نظامی، رفته‌گر) ملت مفهوم ویژه‌اش را درست می‌دهد. زیرا در این سورت ملت یک موضوع فعال در اختیان جامعه جهانی چون بسته و از دشمنی هایی

ز تقویت ساختار سازی خاص
تمکن ملی چشم پوشید، همه
میز به تحول سیاسی درون
ین کشور بستگی دارد. اما چون
و از مفهومی که من به این
صطلاح داده ام جدا شده،
ذاتاً درونی دوباره قطعی

در جنوب و شرق این نطول
نیست. این جا فاراملی شدن به
منحومی که مدادغافان آن از جریان
سلط می‌خوردند (یعنی بدون
امتیازدادن به استقلال ملی) بر
شیوه متعین فقرپایدار برای
اکثریت و تشدید محرومیت های
تحمل تا پذیری دلالت دارد. در این
صورت یگانی جهان بر پایه بازار
ناگزیر حامل انفجارها و
موران های حاد است. جهان سوم
سوم و مخصوصاً مناطق نیمه
پیرامونی (کشورهای جدید
صنعتی و فیروز) همچنان منطقه
تو فان هاباقی می‌مانند. وضعیت
هیئت کشورهای شرق از این حیث
با وضعیت جهان سوم
شباهت های زیادی دارد.
بنابراین، اختلاف میان گزینش
("فراملی شدن بدون امتیاز"^{۱۰} و
گزینشی که می‌کوشد استقلال ملی
را حفظ کند) که من
آن را پایه‌ستگی در شرایط قصر
ما می‌دانم در این سرزمین ها
جنبه حاد دارد. در این جامعه
غرب در باره این مسئله توافق
وجود ندارد. طبقات ریبری به
فراملی شدن که من این جا آن را
کمی ادواری

کردن (importation) می تام، پاسخ
مشیت می دهند، چون این امر به
یک انتقال مبنی می انجامد و در
متایس با انتقال کامیاب یا ناکام بر
پایه معیارهای بانک جهانی
کم اهمیت است، طبقات موضوع
به این قلت به سادگی به آن پاسخ
مشیت می دهند که سودبرندگان
و اتفاقی جهانی شدن در ارتباط
بادرآدمها و تدرت ها هستند، اما
طبقات توده ای قربانیان این نوع
جهانی شدن اند، بنابراین واعیت
تا زمانی که یک بدیل توده ای
میتوان لازم را به کرسی نشاند،
سر بر این پایه است که جهان
سوم هنوز مساوی با منطقه
 توفان هاست، این
توفان چام حصول "تکرار ضرور
تاریخ"^{۱۱} نیستند، زیرا جهان سوم
باید مرحله هایی را که
قرب پیموده در نورد و
کشمکش جای
ملی، تقدیرها و فیره را دوباره
تجربه کند، تزهای باب روز ماکس
و بریحای جدید که چیزی فراتر از
این نمی گویند، این نکته اساسی را
ننده دیگرند که این
نه نا، های مخصوصاً، ضرورت تعریف

جهانی شدن تخلب بندی سرمایه داری است. پیشگویی نتیجه این توفان ها هم شکست و پیروزی ها و دستکم جزئی، به همان اندازه گمان زیبا در بار آینده ای که فرا دست نباشد، مشکل است. پس اختلاف های جزئی که من آن را در آنچه که در پی می آید به فراموش شدن و کیفیت های انتباطی بعتر مربوط است، وارد می کنم، مبنی بر گذشته بی واسطه است و در آینده در معرض همه تلاطم هایی خواهد بود که از توفان های پیش نتیجه می شود، به نظر می رسد که چنین تابیین جا یگانه استثناء نیز ممکن را در زمینه گزینش کمپرادری شدن تشکیل می دهد، از این رو، این کشور می تواند شایسته آن باشد که در آینده برای ورود محسوس تر به اقتصاد جهانی به بازی ظرفی بپردازد، بی آنکه



پیرامون حل "مساله ملی" و "قدرالیسم" چگونه می‌اندیشیم

دکتر حسن کاظمی

و تاریخی اش را زیر پاگرداند - مناهیق بیکه و نا آشنا با زیرخواه چاشنی وارته های دلپیش و آشنا تاریخی زندگی مردم سازند - آنها به متبر زبان و نادمه های فرهنگی و هنری و موسیقی می بازند و خواستند تاریخی بیکر به عاریت مردم ایران سازند، تجربه چه شد؟ همانطوره اثنا کیش رنیانیدی و نوآمیشی ارزش شاهی فرهنگی و ملی شیره های ایرانی بیکر بودند - مردم در حفظ و پاسدازی از تههای پایانی بیشتری از خود اشکار ساختند - تشکیل مسماه اینجمن فرهنگی و هنری از سوی ایرانیان در درین و بین او منزاعی ایرانیان و سینگاگشت شاهزاد و خوشان و بیکر ایرانیانکان ملبه های جهانی این ملت از جمله هزاره فروپیش و نظامی کشید و بیکر خشن سرطان اسد و فرشک ایران سونه هایی از نادین پایانی روکش های انتشار آتش مردم مین می در حفظ و حرارت از سرمهه های ملی و پشتانه هاو تکه گاههای موجودیت و هویت تاریخی این ملت باستانی می باشد - شاهزادن لرمی شاهزادک شاه بیرون اینکه بی به هویت شیره های هم شد ایرانی و از جمله کریمکه بیورید، پنهان چیزیکی شلچی "تاریخی" آن از سوی اشناگران نکه هایی از نباخاک ما پشت مرک و عرب بروید - شاه انساد تاریخی بیوند بین از دوهش بر سر شاه این تئه ایسل ایرانی را بادیگر قومیت های ایرانی نادمه گرفته وابس تلاویش بمانندیک بینانه و می خسر از تاریخی زندگی ملت ایران می نویسید..... دولت ترکیه کردیهای آن تکریر را " ترکیکی گوستانتی" نامیده است - ایرانیان کردیها را " عرب بادیه به کوه گردخه " خیانه اند و ایرانیان آنها " یکی از اقوام ایرانی از نیاز خالی آریاشی " حسوب ناشته اند - هرگذرا این احکام هم لاید با " دلایل و شواهد تاریخی هایی و باشتنامی " مسئلول و مستد می گردید - از این مردیخود شا چینی بر میانگاه شاه شد و تردید در شناسنی انساد مستند تاریخی از اینه شده از سوی ملت ایران را تاریخی - ما هه شا توپیه می کشم سرداری روشن شدن مونوگر - همتر است به انساد از اینه شده از سوی هم اندیش شان بـ - لژیون دراکوت شماره ۱۴۶ - منتشر شده در ۱۳۸۲ توجه نمایم - اینا اشاره دارد که در

نقش خاک کرمانشاه و جنگلی قسته خانی از آن سیرین، از تبریان حفظیه و بیشال جنگ های ایران و شاهانی و دشنهای و بیرونیها آغاز کردی و پس از پایان جنگ بین اسلول اول بر طبق پیمان لوزان بر سال ۱۹۲۲ بشکل امروزی بر آمد - امروزین این تجزیه و تبکر جاذبهای تبا خلاص ما را میان فرازهای نگرانی ترکمنچای و گلستان انجام گرفته است و نه مخواست و انتشار مردم ایران، (مردم میتوان با همین هدایتیم) مشاهده می کنم - آنها که بدند و زنجیرهای اسارت را ز دست و پای خود میان میزبانی می آورند و پیشالی می گلستان و دروازه زندانهای سیاسی چند مددالله را به روی آنها می کشانند آن مردم با شوق و مفری بر شور بسری هم وطنان و خوبیان گذشتند های در خود من شناختند و آنها را تو آنکو من گشند - این واقعیت و ا daraزربایجان شرقی موضوع مقدمه و بهمن میریش و حشانه مسلم حسین پس از پایان جنگ خلیج تاریخ به مردم کرمانشاه ایزدانیین مشاهده کریم که چگونه مساحات از هم میمانند آپاره و سمت کشیده و درستند ما، بر ایوان پیوندیان روشی ای و خوبی و تما و اجدادی خود، پیانگاههای و نکره که واقعی و طبیعی خود را درکجا باختند و از سوی، چه کسانی با آنکو باز پیشانی گذشتند. من نکر میکنم که بیشتر است به لایون و همین . و سامان نجف زانه که هم به خواست و نظریات مگذاندستان گرد توجه شاید و اختصار یکناره و این چنین شاشد که کافر خدا را به یکش خود پیشاند.

هم هنین کرد ما اقای شهزاده سنتنجری در کیان شماره ۳۴۹ بتأثیر ۱۸ آبیل ۱۹۱۱ در والیکار با
کیرنگان که بسوی مزدیسنهای پوشالی سوزمن مادر یعنی ایران شناخته و به آن جا پناه آوردند، می نویسد:
من که خود پدر کرد حست پائیور از ایرانی بودنم، خشراهای مرووط به پذیرایی از کردهای آفریه از عراق را
نهنلای مم کم و این احسان ملپنیو مردم ایجاد مشید که مدت کم کردهای عراق کرد جا، بدک سوزمن، و
بدک کشور را مازنده که بعون احسانی بیکنگ به آنها بینه می مرنند. آنی پدر و پیغمت اشکر است که
کردهای عوهه کجا ساکن پاشند و نام هر کشوری و آنها کلاشنده شده باشد، سهنه در پدک کشور "بیکنگ"
محسوب نمی شوند و آن پدک کشور هم "ایران" است. هم هنین آذربایجانی با آنای دکتر فرسینون
آنی در نیشتاری تحت عنوان {باخی سوی ارسی} در کیان شماره ۲۵۲، بتأثیر ۹ آبیل ۱۹۱۱ در
دلاع از مرحوم علی هشت بکی از رجال ناطقان انتساب شویست و فرزند ایشان دکتر جواد هشت، نئاتسی
را از نائله ایشان زیر عنوان "بلیت ایرانی ما زبان های قومی" که در کیان هفده و واپیل شماره ۷۶۲
سال ۱۳۶۱ جای شده به این شرح می باشد: ازگان شبه تحصیر به فویت و زبان نومه، بلکه
خانسری مهتر مانند وطن، منصب، شریخ، فرشته و آنهاهی مشترک در شکل آن نقش انسانی مازنده.
ما ایرانیان آنی، که کی از اقوام فنس ایم، مرد و سوی من باشیم، سه از هر چیز ایرانی و سراسریسم
نادرجه میخواهیم در جزویت ایران و در داخل ایران می خواهیم، زیرا موای ما تعریه ایران لاقل
نه انتشاره هرگ و حستانک و بینی از آن نکت آنی است. ما بینی از هر چیز ایران سیستل و ایجاد و تأسی
دا مر، خیاهیم که در آن همه اقوام ایرانی سعادتند و در رطه و آسپت باشند، همه برادر و برادر باشند.

حق هیچگام پایل شود، و یکی های سه اقامه عزیز و حترم شرمه شود و بجز چند تحلیل نگردد.
زبان فارسی ما از قرن ها پیش فارسی است . همه مردم ایران این را بسته دارند و بدل طبیعی نسبه
بریز ، هست قل ازان که در قانون اساسی هم تصریح شود . زبان فارسی به عنوان زبان و ملی
ایران پدرورش شده و همه ایرانیان در اشاعه و فراگیری و نسل آن کوشیده و می کوشند .
این بریز و بیناخت هم میان کوه و آتش و بیکر شوه های ایرانی مناظرات با یخیاد و اسلام تاریخی
شاید شناسند بر این تضییقات نا ثابت و ناکلیر ب - لاوس و سامان بجذف راهه و حیمن و بیکر هم انتشار
آنها کمی اثر بگذارند و شعیلی در پیش شده کرایانه آنها موجود آورده اما ازب - لاوز و بیکر هم میتوان
کرد ما که خود با چیزیکی بر زبان فارسی ، به این شعیوانی می نگردیم و فارسی راضی باشد زبان کسری
خلیلی خوب سخن پیکونید نه تنها انتشار ناشست که گویند زبان فارسی را بازیز و بدون ملاطفه و تابل خصی
فریاگوئه اند . جنین عذری را هیچگی از آنها پنیری خواهد شد .
مکریزم ، مالین بروس و تحملی برواسی داده ها و بات های فرعی و تاریخی و ملی ، اگر بخواهیم

مشهده و عدالت خواهانه و مباریت نظر به ساله (ست مل) تکمیل ، دیگر شیوه‌نمای از زبان مشترک مردم ایران یعنی فارسی که همه توجه های شار ایرانی در بیانش و شکنیان و کشته رفته‌نگی آن سهم ساود و مشترک داشته اند ، به عنوان بک رسپلے و یا انوار سرکوب " ملت ایران " سخن به میان افراد و چوین این چیز است ، بین ماباستی بر برجواد های جدی سیاسی مان ازان جویه زشت و توچین آنژیلیاناتی گذشته های درین یعنی " شوونیسم فارسی " که مفهوم جز به خواهی و سرانکنگی کشیدن مردم میهن ما ندارد ، بیرونیم و به تحريك احساسات سخت آغاز دست نیازیم .

" ست ملی " در ازیازی فوار و نشیب های تاریخ زنگنه ملت ایران ، چه در هنگام ناتوانی و جدائی ها و تجزیه و پراکنگی های ملی که بینکنان وا مر مین مسلط ساخت و چه در درین حکومت همسای سرکوتگ و دیکتاتور در گذشته و حال وجود ناشته و هنوز هم ادامه دارد . اهلان ستم ملی و بیکردی های ملی ، ماتهها محدود به بلک قویتست نیگرد و خوشمندانه نیست که ما کوکه بارهای خوبیها و بدھا ، هم هساو شادی هاش را که مردم این سرزمین غر کار پرکنگ و باهم در ازیازی سده های تاریخ بیویو گشیه اند ، از پیکنگ منابر سازیم و به ابراق از هزاران و سه و نادت " مل تخت سلطه ایران " که ثابود گشته اند ، نام برمیم . اگر از ست ملی این برداشت آقی سامان نجف راهه را میو بوجه قرار بخیم که می گویند ۰۰۰

" سمه شرین و اسلی ترین شکل ست ملی سارعت از آست که ایله و حق ملل برای تعقیب سرنویست و مقدرات سیاسی و اجتماعی آنها نتفق و پایمال گردید " [کار شماره ۸- خردانمه ۱۲۲۰] ، مایر این بازیم که حق تعقیب سرویشت حقی است کلی و سیاسی ، تدویی و خذنه تائید و پوییت به همه مردم ایران و درودخونه کل جنگل ایشان مین مان یعنی انسان این حق بمعنی " بیان اراده لئونه مردم ایران " برای همه قویت های ایرانی و هو سوابر ایوانزنین بکان بوده و تمیتان برای مردم بخشی لز کسر

تاریخ سمه های گذشته که این حلقه است که توجه ایران خدابان ایوب و سخن سوابیان پارسی بجای باقی
مانده است نفوذی فراگیر نه سرتاسر ایرانیان و نه هر شهروند و کوی و خانه ای از ایرانیان داشته است.
آیا مکر زیرداشت و یا قیوم خانه ها کمکت از سمه های خوب تربیت درختان داشتن های اساطیری ایرانیست
شناخته و برخواهند تلاحدیود به بخش های از مین ما و مینان آن خد است ؟ باش روشن است،
این فرهنگ ، این اثرب را جاویده نیافران ما چون از سه تبار نیازمندیها ، غم ها و برخواهی های ترک همسه
شوه های ایرانی سرچشمه گرفته اند ، بعضی سبب وجودی باشته اند ، ازرسی مردم ایران با خبر و شوق
شناخته بخواهند ؟ سهنه به سینه سرمه خد و به آشکن انتقال یافته اند . پس این فرهنگ و این
ریان را نسبتاً بدینه و بیان " ملت فارس " شناسایی و سپرید : " جد وظایع رامزگاهه نسل
تحت ستم تحمل کرده است ". این حد جدالی و مرتباً رای تویسفی کلستانت ماریخی نثارد ، عارضی
است شناسنی از خوبی نعد سکانه و از خود بسیگری سرای مدن زنی به اختلافات ایمان قومت های ایرانی
و تجزیه میں اوانسان . نیزمان چگونه سیوان شک و ترسند شا و بیگنم انتسان شا را کم کم هم
نیستد با دلایل مستند تر از تاریخ حات ملت شا بر طرف ساخت ؟ در شناخته فردوسی می خواهیم که
کوچکار نسل جوانان مردمی هستند که جان خوبی مریاه کوچکستهای پلند از گرد نحلک ، مُسین

نگر نا نیاشنی به انساد شهر
ترا در جهان کوه و دشت است به همین
کون کرد ازان خنمه نازد نسیاد
کل آناد نایید سه دل برقی انساد
کاره احتیج از میان آنون و برازی از اندی و رهاشی از اینان از شم و بینان مرخاسته بود . با این تدبیل
تئیسم برمیان اینون به غارس و غیر فارس بر منای نسبت های معمول گذشت و طرح مقامیست متن اضافه مدل
زیر سلطه هات فارس و پایتخت از همه اصطلاح " شویندیسم ملت فارس " نه تنها استوار بر صحیح مذوله
تاریخی نیست و منعیت ندارد، بل به اختلافات خاندان سوانح زمینی که بیکاران هم در توسعه و پیچ اینها
نمی داشته اند، پیشتر مانم میزند.

این که جزا رهبری و دوست سال بین زبان پارسی فری انجام نتواند و پیو کرد که جاشن زبان پیلولی ساسانی گردید و توانست پاسخگوی نیازهای فرهنگی و بهان گزین ها و بام های انتیخاکیانه و اوینتهنه کی های مردم ایران گردید و زبانهای کردی، آذربایجانی و باشندگانی و پهلوی ساسانی نتوانست آن باز سکنی نیازهای اجتماعی و سیاسی آن زبان جاسمه ایران را بدش کشد، پاسخن و آن پیشان و نیان و مانک در حلقه اند، دیگر نتوانند داد.

اما آنچه سلم است اینسته، اگر ما بخواهیم از "ست مل" موظفون کتریه آن یعنی زیر پاکلی حقق و ایجادی های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی سخن به میان آوریم ، این شتم تنها برینک پون و شمار ایوانی تحمل نگیریم، بلی همه مردم ایران بودرایای تثیغ سه های دینی و حال چه از می سلطنه اکران بینکه و با نظام های دیکتاتوری حاکم میباشد تجارتی و قلم و سمت قلیر گرفته اند . بنابراین مابین خاطر اندیشند گرفتار ایرانی مذكر جزء الله خانیون، بارگشت سپیگ از فرنگیان را مدعی کشیده و از پیشان و پیگیریترين مامل حفظ هبیت و مطب و بقای ما بینه، مانی که مابین میازده قرن ، نزدیک هفت قرن از راه حاکمان و پادشاهان ناشیت غیر ایرانی و ناشی ایرانی فرانسوی ، ولی همان شرک و منقول و مثار به این زبان شئ ورزیمتو شوق و پیاسار آن شند و آندر جاییان این زبان را مسلک زبان شکر و تیغه گردند.

ما پیشتر میزاده نوه امیر شعیور گیرکانی برادر فرهنگه شدن به زبان و ادب فرانسی ، بهزرس نحمد خدای شاهنشاه را ندارک دید و استخار ناد، مابین امسال و سا ایله این تویجات و اسلامه شارپیو . دیگر هم مهمنان کرامی با پا، لاؤن و حمس نمیتوانست منی شود که زبان غالب فارسی مژده ای و اسلام شوینیسم فارسی بر دیگر قومت های ایرانی (آنها لست محبت لر ملی دیگر می گند) مسلط ساخت و از اینین راه سنتی مسافت را آنها تحمل نمود.

توجه داشته باشد که گوش زای رفای پارسی خردی سی از اسلانی توب بیانیان جمای زبان ملیو ساسانی درشرق ایرانیمن ، یعنی در منطقه خراسان راچ گردید و این مقطعه من از شهر کلپور از سرمهی پارس شیخی که در جنوب خوش بین ما قواره دارد و مرد نظر شما است ناچله زاره . ما این زبان بزرگان ادب و اندیشه‌شنان ایرانی آثاری فرهنگش و کجده ای جاویدانه از فرهنگ اسلامی و گوهرهای تاریخی بهم ملت ایران ، مل مه نهاد عرض کردند و قومت های ایرانی نه بیرون ، ملک نه وجودی سرشل از انتشار و فرهنگی توشه راه زنگنه خود ساخته و رسمخواهی تووا به دل سریند . وقی که بـ : لارن در اکبریت شماره ۲۱۶ میثیل ۵ شهریور ۱۴۶۹ تعریف آقای فرج مبیضی (اسری) را در سرود ترسم ساختن ملى ایران بعنی : " کشور ما ایران ، کشور چند خلق است که خلق های آن دارای صمیمهای تباری و تاریخی و فرهنگی سپاری سبق و درینه اند ، این خلق ها وظیهای یکسانگ ایران را آنداز کرده و پروریابر هجوم اینچی اترا حفظ نموده اند " غیر متوجه داشته و از آن به عنوان یک خودب تاییه نام میزند و می گویند که اوا (اسری) بمخاکد طل مختار ایران را جنر هم جوییاند و با اینکه آلتی سالان نصف زاده در کار شماره ۹۰ با تاریخ ۸ و ۱۵ خردادماه ۱۳۷۰ می . پریمیدن : ۰۰۰۰۰ روید و اتفاقات بیشی و مناسبات بین مل و بین گروههای اجتماعی از " تعاریف قرار مادی و ایدئی شععت نمایند و تابعیت وازانگان مقص " ملت " و " قوم " در آستانه لوت بیست و یکم نی شانشند . " ایشان نه تنها منطقه تاریخ را هم قبول ندارند بلکه به سادگی شانه های تاریخی هیبت و موجویت ملت مارا که از نیانکان و شمار ایشانی به گونه نمونو چند شده بر روی منک ها و با نشته های باستان و سرفرازهای باقی مانده اند بهم تصریح می گویند . احساس من اینسته که بـ : لارن و اقای سامان نجف زاده و میرزا هم اندیشه‌شنان چون ملیو به احادی و پیارگاهی تعریه های ایرانی که در میان زبان هزاره ها و سده های طیلی بر کل گذشتر زیسته اند ، آمیخت خوشی و فرهنگی و فلسفی داشته اند و در بیانی بیش بیکاران از مستقیم و شرف مطیس و سوزنی های آیا ، و اجادی خود هم افسوس نداخ چون مدندرانه اینک بیکاره چون مطلق شریع و بیکسر اسناد ستد هست ملى ملت ایران در چارچوب شک خواست ها و نظرگاههایشان نمی گجد ، رنگ برسیم

وی مظلوم شد و پادشاهی از "عبد عشق" شمار می‌آمد.
شما زیرینه کنند و پاسخداد ریست شار ایرانی را که خود تاریخ خوش را ساخته و پرداخته در فیلم
با "مرید فروشنی" به میان بل واقعیت تاریخی گذشت عای سوس آشیه و من کوشید امیر حسن شرد
مشهد، آن مطلع تاریخ که شاه امپراتور آفریقا بر امام و چند و چون مادر نشی می‌کشید مرد فروشن
و جنات فرار می‌دهد، چنیز جای های زیستگی و اثر هنری سنتی و تئاتری و گویش های طلسمی
و علمی و ادبی میانی ما شوده، آن گذشتن، تاریخ حیات خود را ساخته، و آنچه را که ما کر و کوشی
و برق جسم پرداخته و اقیده بودند به نسل های بیکر سیریند و آنان که از بنی میکران آمدند آن ویشه ها
و تواندهایها و بود ویکی را با ماری بیشتر و بیر مایه شر به آتشکن عرفه شاند، آنی انسانی تاریخ
زدن زنگی خود را بر میانی شماره ای باستانی خواسته های اجتماعی خود و قم سریند ولی از پشتیانه و با پیشگویی
فرهنگی و هنری و علمی گذشتن و شمار خود مغلای نیستند، هر مقوله ای را از نو شروع نمی گذستند،
زیرا که بینال ایمه راه و تکالیف حستد و تاریخ گذشت را آنجانی که هست می پندزد با همه زنی هاد
زیباشی هایش، با همه کاشش ها و خوش هایش «برخیزدگانهای شما نسبت به اسناه هوبت تاریخ حیات
ملت ایران فرقی زیاد با مشت و رفتار مطلقاً کراپانه ملایران در سیزده سال گذشتند، زیرا تو ای پرس
گراپان و متمصمین منصبی هم خواستند بیوند مردم مینمایان از تاریخ گذشت اش بگلند، سنت های ملی

بعد پیروان حمل سالاد طلی و فتوپیس ماهیپیش مر روزنامه اکبریت شروع شد و پیشینان مر روزنامه کار ادامه نداشتند از آین میان بیشتره ماحبظهوان چه رادیکال و نیزکار خاد سخن سر دادند و نظرات خسیدرا میان داشتند کوچکش من مدنوان یک ملی کرای ترقی که جذبند مدد از میازرات ساسی را پشت سر گذاشتند وطنی سالانه گذشتند در سنجاقش همکنی ایرانیان برای آزادی و میکراسی ده راه آزادی ملت ایران بر کار نمیگیرند دوستان که بازی بر پیوپیس سیاسی و حاکمت ملی دارند، قیار گرفته است اینسی خواهد بود که سیور از ریک شغل و راستی های عاشتش اندیلوپیکی، هنرمندان و صاحبان ساسی را به چند های آنسانی و چونمنعی هنوز ناگفته تاریخی قوم و شتر ایرانی تو پنهان خواره های تاریخ پُر از بسیاری از حل "ساله ملی" توجه نمهم، دیوانی نوشتر من فضله ندارم بای جزو و بحث تحربک آئینی را ورن تقابل نامامنستگران و اندیشتنان چه ایران در طبق کشته شد این بگشم و میان دار جبهه ویته ای از گروههای سیاسی گردم بد کوههای که از اضافت منشور جنت همیستگی میعنی ایجاد تناهم و هماری و همکاری سازیزین سیاسی به رو آلتمن - میان انسان امید چنان نارم این پیشگفتار را بیوه آن افاده و خدمت های سیاسی که گاه بر سرمهنه خط بیکلن بر آتچه که ریک شغل خاطر "خودی" و اندیاده، می گذشتند، جدی گرفته و ما محدثن این نوشتر دهنن گراپسنه و گهنه تیوانه و پیوان "شوپیسم فارس" روبرو نگرفتند.

نی از اشتاد با حل ساله ملی و بحث پیاوین خدروی مدر ایران بد مولویان از جمله ستم ملی،
ست منافق طل ایوان ، شعلوف ملت و شوپنیم فلاری بر می خویم . ماجھشان در بخوبی با این
سالی دو روی و سنت دوکنه اختیار کرده اند، از سوی آقابان مینی (امروز) ، بزمی و فرع نگهبانی
کوشش نموده اند با شماره به پایه ها و تجارت تبریز و امانتی سمه های کنست ملت های دیگر چهان
و بیویه ملت ایران ، نظرات و رضوهاده ای را افراد اطلاع با شکل و موانع پیش از سر و راه براي گشایش کار
ایران مدد، بخوبی آنها ماطم موضع اصلی مالت آتش و تبی از حربتک ملی و انسانی است ، از ایوش
دیگر چم مینان دیگران ، آقابان بـ ، لذون و همین و سامان تحف زاده با شدی و تبی کلام ، شاهجهانی
شک و تحریک کننده و ناهمریان را متوجه میگردانند که بینم آنان آنها طبق ها و نظراتی
را در زمینه حل ساله ملی ایوانه مانده اند که با واقعیات و اینات جامعه کشور الملة ایران مطبیق شوده
و نهادی مه شوپنیم و ناسیونالیسم افرادی موجده نامن میزند (خیین) ۱۷۰۱) و آنکه تمثیل به احساسات
شوپنیم نظمت طلبانه فلاری (بـ ، لذون - اکرتیت شاره ۲۶) می گردد . نخست لازم مدائم چنین
بـ ، لذون و خیین از واقعیت های تاریخی مورد مطلعه خود سخن سیان آورده اند و از جمله حاشا کردن
وجود مل مخلفت و اداره ایران به عنوان که تعریف تاریخی شمار تبریز و مه کامانیکه به مانند آن نیایندشنید
ست س اخلای از شریع را ناده اند . گیوم اگر فرار را امسکه به شریع و اسد شخی خویست و
محویت مل ایرانیان مرایجه کنم باشیش و اینات را آجیان که حسته بازکو کم . آری این درست است
که سیان کرد ها ، ماندا هستد که نخشن شله پاشاعنی شنه در تاریخ ایران را وقیع زده اند ، اما
برگار آن فرم درستند . قویست دیگر ایرانی بسی بارت ها ما نیائندی در جنوب بزمی ایران می زیستند .
خیسن اتو و نوشت تاریخی مالک ملکه در میون این بو شود ایرانی را در نشست های مشق پادشاه افسوس
سالمنار سرم یافته اند . سرمای این یانکه تاریخی ، ماندا و بارت ها از مواد هند و اروپیانی ملات
ایران سازیز کننده ، ماندا بعنی کرده اند بر شال هلات ایران و بارت ها در جنوب بزمی آن میگردند
برگار ماندا فریشند تراز بارت ها بودند ولی آنکه کم که نیائندی بارت ها بر کرها بزیر و کروی بزرگ
از پنداری از مادری مادی (ماندانه) شله خاصشان را سیان نهاد ، آن بخوبی شویسته ایرانی در کار
نکشید سخت و عدم بین گشته و میون سرتی سر پیکر سر ایونزون حکیمت را نیستند . شـ نایانی این
بیوند و پیکشی را می توایند در نقوش حک شده پرسپولیس شاهده که چگونه بزراک و سرداران و سریاران
کرد جایدهان در کار نکشید ، هم سک و همیاره فوار گیرته و شماری بر پیکر خارند . سـ خلاف نظریـ
بـ ، لذون ، ماندا نه تنها خزان گلار بارت ها نکشیدند بلـ رو غسل قدرت و اداره ملکت سهیم گردیدند .
ایران ایسی آن تعریف تاریخی که شـ از این شام سرید نه تنها نشست نشارد ، بلـ شـ و دیگـ
شم اندیشان بر میان یک دنیه تبلیغی درین مـ آند وار " سـ طله فارس هـ بر بزمی فارس هـ دیـ مـلـ
زیر دـ سـ مـلـ غالب طـرـیـ وـ مـلـ سـتـگـ فـارـیـ ، کـ فـرـشـکـ وـ زـانـ آنـ غـلـبـ برـ فـرـشـکـ وـ زـانـ مـلـ
زیر دـ سـتـ اـیرـانـ بـوـهـ اـسـتـ سـخـنـ بـهـ مـیـ آـتـیدـ " . اـینـ بـرـخـیدـ شـاـ ، نـهـ تـبـیـ بـرـخـودـیـ تـحقـیـقـ وـطـیـ
برـاـسـیـ روـشـهـ هـایـ شـفـیـرـ وـ خـوـلـاتـ تـشـکـلـ وـ تـبـیـشـ وـ سـبـیـتـ هـاـ تـبـیـتـ ، بـلـ طـرـ آـنـ مـهـ صـیـوتـ باـ
حـودـ شـانـهـ طـالـیـ اـزـ مـیـ وـ مـیـگـنـکـ رـاـ نـیـانـ مـیـزـدـ ، اـنـ اـینـ چـوـ جـوـ بـرـ خـارـیـ سـهـ هـایـ تـارـیـ زـنـگـیـ
بـلـ مـلـ ، مـاـجـوـدـ حـضـرـیـ زـانـ وـ لـیـجـهـ هـایـ گـنـ چـنـ چـلـنـ ، بـیـکـ اـنـ تـهـ رـاـسـاـزـهـ اـجـشـانـ وـسـیـاسـیـ
زـانـ شـفـیـرـ وـ تـحـولـ مـیـ یـادـ وـ یـاـ بـهـ گـرـیـ وـ آـتـیـشـ سـادـیـ زـانـهـ رـاـشـنـهـ کـشـهـ ، بـالـنـدـ وـ بـیـاـ کـرـیدـ)
بـهـ کـوـنـ اـینـ کـمـ کـمـ کـوـنـ بـاـ اـنـ تـحـولـ وـ بـاـ خـرـیـشـ شـدـ وـ فـرـشـکـ وـ اـبـ مـلـ طـرـ جـلـیـ مـیـ یـادـهـ ، خـلـیـ پـشـنـهـ اـیـ
وـجـودـ نـهـارـدـ کـهـ اـنـ تـحـولـ وـ بـاـ خـرـیـشـ کـهـ بـنـیـانـ تـحـمـلـ زـانـ وـ بـاـ فـرـشـکـ کـلـ بـلـ " فـارـسـ سـرـ
فـرـشـکـ وـ زـانـ شـرـهـ هـایـ دـیـگـرـ اـیرـانـ " قـهـ آـتـیـ سـخـنـ سـیـانـ آـتـیـمـ . آـنـ هـنـگـامـ کـهـ عـربـ هـاـ بـرـ اـیـرانـ بـرـزـندـ
وـیـانـ هـایـ اـسـتـلـیـ جـنـ دـ سـالـ خـودـ رـاـ بـنـیـانـ نـهـادـ ، زـانـ رـسـیـ اـیرـانـ بـهـلـوـیـ سـانـیـ بـوـنـکـهـ بـدـرـیـعـ
جـایـشـ رـاـ بـهـ زـانـ طـیـ بـوـ قـنـ شـبـیـعـ زـانـ رـسـیـ جـامـعـهـ اـیرـانـ وـ بـهـ مـنـظـمـ وـسـعـ شـوقـ اـیرـانـ بـعـنـیـ خـارـیـانـ
بـوـ اـینـ زـانـ طـیـ بـوـ قـنـ شـبـیـعـ زـانـ رـسـیـ جـامـعـهـ اـیرـانـ شـدـ وـ اـینـ زـانـ هـامـ زـانـ اـبـوـسـلمـ وـ طـاهـرـ
وـسـقـوـتـ لـمـتـ اـسـتـ کـهـ اـزـ خـارـاسـ بـرـخـاستـ وـ هـتـ بـوـ رـاهـ جـاتـ وـ آـیـادـ اـیرـانـ اـزـ زـیرـ سـلطـهـ عـربـ بـکـارـ

سرنگ ایجاد شدند و سرچاری می‌شوند که موقوفات اینا به هم اینرا ایجاد آن نیزه
می‌کنم این تغیر و تحول ران فارسی و رشد گفت و پیش ایصال فارسی را در هزار و میال اختر
از برکت مهاد حسان آفرین حکومت های سوکوتیر غالب میان عرب و بودلانتان نیزانی داشته و می نویسد:
مالشنه شور درختی (زبان و اورهشک) طلایه رو آب روان و اثبات شنان به گرد ناخوشی و باخشوی
منظور ای هم بیازند است . تعبیر نکند حاجتی به وصف کردن اسلام و مأخذ نیست ، و دهن خودتان
بروی بفرمائید . به نویه های ظهور تواع شعر و ادب فارسی و اینما روزگارشان ، تا بینند طنز طبیعت
حسانی جز محصول سلسله چهال خراسان بر جان و موال خلاقی می تواند باشد ؟ سکھنی به اوضاع سیاه تن
دشم بینایید . تا بینید زبان کشی لریز از زمز و اشاره ملوی شر از شک العمل مرد و دختل خداشان
است در مقابل جمیعت شویست سازانی که خود را ورته انسنا دانسته و نیز جامده را با تذلل آتش چشم
در فشه فدعت گرفته اند ؟ اگر امیر اتم کن خشک منزی چون سارلخین بروخاک طرب خیزشوار مسلط
نمی شد ، غلایات ریز از ایهام حافظت به همین ملشیشی جوانهنه بود ؟ شاهزاده فردوسی هم محصول چوین
دیگر کاری است ، محصول دیوان سیاه استخبار است و اختناق تحمل نایبری که باست عربان و ترکان در
نیمه قرن چهارم بر سرزمین خراسان سایه افکنده است . فردوسی بیش از سی سال از عمر خود و امساره
سراپسی ماستانیاهای اسطولی ایوان باستان می کند و بر حدائق (عجم زنده کردم بینین پارسی) سبب دیوان و
ققام زنان فارسی و خفت استقلال و فرهنگ ایرانی برای آلسکن می شود . آن واقعیت های تاریخی که شما
متناسبانه نمی خواهید باز گویند ، زیروا که خود را هنوز هم در چارچوبی چنان تقریب چنان خسنه
همیوس ساخته اید . اینسته همین هبوبندهای شماری تأثیری و بوزیر فرهنگ را که مفضل از آن سخن
به میان اولرم سبب کویندند که شیره یعنی کون ایران از کدو باعو و خراصی و مازندازی غر کلاریکسک
و با گلک بدکیمک بر زنگ و چمر و سلطنه بیکنکن غالب گردیده و خود را از زیر بوج اسارت آنها رهابی
بخشنده سخن سرایان اسب للارسی ، چون ورنکی و فردوسی و حافظ و سعدی و مولوی و صهابگیر
شما بیان گزوه و یا قزو از امیرانیان در مخدونه چنراشی وریه ای از امیرانین سخن و سرومه ثغایر پیدند .

مصاحبه اشپیگل با بیرک کارمل رئیس جمهور سابق افغانستان

”مایدانتقام جوئی راه خالک بسپاریم“

من شخصاً دنیا سمت و مقام نیستم.
اشپیگل: شما در گذشته‌یکی از طرفداران انتراپرسیونال مارکسیستی بودید. تحولی که در شما وجود آمده است تاچه جد واقعی است؟
کارمل: اتحاد شوروی با وجود داشتن یک رژیم توپالیت و روش‌های استالینیستی و با تکیه بر دکترین بر زنی پسیاری از نیروهای مترقبی و میعنی پرست دنیا را تحت تاثیر قرار داد، تایید فراموش کرد که خلیق‌های اتحاد جماهیر شوروی ببارزات رهایی بخش ضد استعماری را می‌بینند و مبارزات قرار می‌دادند. این پایه‌ای برای دوستی با افغانستان بود. بعلاوه کشورهای شرقی، بویژه ابرقدرت آمریکا، علاوه چندانی به کشور ما نداشتند.

دموکرات هستیم و بالسلام با احترام برخود کردیم.
اشپیگل: وقتی هیچ‌گونه تضاد ایدئولوژیکی فیر تاکل حلی با نیروهای اپوزیسیون، که هنوز هم با جانشین شا تجیب الله مبارزه می‌کنند، وجود ندارد، پس الان مسئله فقط مسئله تفتر است؟
کارمل: اساس ناصله میان نیروها تحریکات مداخله جویانه خارجی است، تازمانی که این دخالت وجود دارد، چند هم ادامه خواهد داشت. هیچ سیاست مدار افغانستان نباید خود را از خواست گذشته برکنار نکند. برای بدست آوردن صلح، باشد باید برپایه سنت‌های اسلامی به خل درگیری پردازیم و حکمیت ارزیابی از گذشته را به نسل‌های آینده واگذار کنیم.

اشپیگل: آیا ظاهر شاه می‌تواند صلح را به کشور بازگرداند؟
کارمل: در طی آخرین دهه حکومت ظاهر شاه من اربابات خوبی باوی داشتم. من آن موقع سال ۸۰ نماینده مجلس بودم. با وجود اشتباكات هوداران ظاهر شاه، افغانستان در دوره پادشاهی وی سیاست خارجی بی‌طرفی را دنبال می‌کرد. افغانستان در آن موقع رشد اقتصادی داشت.

ظاهر شاه امروز می‌تواند سهم بزرگی بر قراری صلح در افغانستان داشته باشد. همچنین شخصیت‌های مسئول لیبرالی که هنوز در خارج از کشور زندگی می‌کنند، می‌توانند نقش مهمی در آن روند داشته باشند. آنها باید به کشور بازگردند. موقعیت کنونی از هر زمان دیگری آماده‌تر است تا انتقام جویی و قدرت طلبی و درگیری‌هایی بجزئی به خاک مسئولیت شوند. نیروهای لیبرال و دموکرات باید متحداً کشور را به صلح برسانند.

برگردان: بحراں بهاری-آلمان

چندی پیش آتی بیرک کارمل، رئیس جمهور سابق افغانستان، پس از چهار سال اقامت در مسکو، به وطن خود افغانستان بازگشت. هفته نامه آلمانی اشپیگل، در کابل مصاحبه‌ای با کارمل کرد که جهت اطلاع خوانندگان "کار" این مصاحبه را هینا درج می‌کنیم:

اشپیگل: شما بعد از اینکه از مقام خود برکنار شدید چهار سال در شوروی اقامت داشته‌اید، با اراده شخصی؟
کارمل: نه، این تصمیم شخصی من بود، من سپر ایلی اشتباه تاریخی و غیرقابل جبران اشغال افغانستان توسط شوروی بودم.

اشپیگل: اما شما کسی بودید که باور دنیروهای

شوروی به افغانستان و با کمک آنها به اسرائیل بلکه بنابراین حالا چه کسی مسئول رنج مردم افغانستان است؟

کارمل: چند افغانستان با ورود نیروهای شوروی، که ظاهرا برای حفاظت از مردم جنوبي شوروی بود، آغاز شد. این چند با کودتای دولتی پرنیش محمد داود گلیه ظاهر شاه در سال ۱۹۷۳ آغاز شد. این درگیری بعد از آغاز آن باید این مثبت نهادنده تأثیر نهاده باشد. ملک بود و آن

خلیج فارس برای جنگ ملی فلسطین ملک بود و آن

را در موضعی قرار داد که نه تنها اسرائیل بلکه

امريکا اسرائیل را که دیروز زیر هنوان

خواسته باشد. ملک باید از خود فرج جدی

برای مذاکرات صلح را زیر سوال ببرند.

در حال حاضر اوضاع در آستانه بزرگ‌اري کنفرانس

چنین است: اسرائیل بیچ نیز نهاده باشد. ملک

در کنفرانس صلح خاور میانه پذیر فت، همانطور که

تاکنون به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل

و قعی نهادنده است و این گردانشی از

حساسیت دولتمردان فریبی را که دیروز زیر هنوان

از تمکن به سیاست امریکا و قناعت به فرمولهای کاخ

سفید نهاده اند و جنبش فلسطین می‌چکاه در موقعیت

در روز تاریخ روایت خارجی اش، هیچ‌گاه در سیاستهای

امروز از قدرت و امکانات تاثیرگذاری بر سیاستهای

منطقه مادر خود را نهاده است. دولتخانه هریکی در

را بایهده با بحران منطقه، هیچ‌گاه بمانند امروز ناگزیر

از ممکن به سیاست امریکا و قناعت به فرمولهای کاخ

سفید نهاده اند و جنبش فلسطین می‌چکاه در موقعیت

در روز تاریخ روایت خارجی اش، هیچ‌گاه در موقعیت

امريکايان ازان به عنوان "فرضت طلاقی" در

منطقه یاد می‌کنند. چیزی جز فراممود بدن امکانات

برای تحقق شرایط مطلوب اسرائیل و امریکا در

بحراں خاور میانه نیست.

ایده کنفرانس بین المللی صلح برای خاور میانه زیر

نظر سازمان ملل، سالها پیش از جانب شورای امنیت

شد. اما با مخالفت جدی امریکا و اسرائیل مواجه شد.

تحقیق این امر در شرایط و تابعه قوای آن موقع منطقه

و جنون، مغایر با توسعه طلبی رژیم اسرائیل و چه بسا

حقوق ملت فلسطین می‌شد. اما امروز او اوضاع واحوال

را ایجاب نمی‌کند. تصمیم شورای ملی فلسطین

تصمیم بجا ای است، نسلیتی های باید در مذاکرات

قریب الوقوع شرکت نموده و از حق قانونی خود برداشت

ریستن در سرزمین مادری و داشتن دولت مستقل

دفع نمایند.

جمهوری اسلامی اینبار نیز مانند گذشته در رابطه

مسالمه فلسطین و روند مذاکرات صلح خاور میانه

موضعی تابخرانه اتخاذ کرد. تقویت امنیت سازمان با تاریخ

پیش‌بینی شده برای اسرائیل از حق قطع شده

خاور میانه که دارای این طرف می‌باشد. در مذاکرات

"کنفرانس بین المللی حیات از انقلاب اسلامی مردم

فلسطین" برگزار نماید. این اتفاق دولتمردان

جمهوری اسلامی نیز ممکن سایر مواد برخوردار است. آنها نسبت به فلسطینی های احتمالی در صفویه

پی آنند که از تاریخی های احتمالی در صفویه

فلسطین بخاطر تصمیم شورای ملی فلسطین، به

سود خود بصره برداری نهادند و این کار در این شرایط

نادرد.

میان دولت عراق و "جبهه

کردستان" ائتلاف سازمان های

کرد عراقی بود. دولت عراق

معتقد است شهر نفت خیز کر کوک

و حومه آن نایابی جزیی از

کردستان خود مختاری کرد کوک

بدگاه است تا وقتی قدرت را در

دست دارد تی کذارد کوک

جبهه کردستان باشد. در

اجرا این سیاست، بغداد مشغول

اسکان دادن قبایل عرب در منطقه

کرد کوک است.

یک سختگویی حزب دمکرات

کردستان عراق و مسعود

بارزانی تا پیش از

شده است، طی ماه های گذشته

نیز دارد که در از زیبای

میان دنیا از صنفه

در آستانه کنفرانس صلح خاور میانه

اگر اتفاق فیر متر قیمه ای پیش نماید، در روزهای

اینده شاهد تشکیل کنفرانس صلح خاور میانه خواهیم

بود. در این کنفرانس هلاوه بر امریکا و شوروی

نمایندگانی نیز از سازمان ملل متحد و جامعه اروپا

بدعنهوان ناظر شرکت خواهند داشت. ریاست

کنفرانس حسب ظاهر، مشترکاً با امریکا و شوروی

است، اما پیوشه نیست که اینکار عمل در مذاکرات

قرب الوقوع صلح خاور میانه دست امریکا کرد و در

واقع این امریکا بود که بلاعده پس از خاتمه جنگ

خلیج فارس برای جنگ ملی فلسطین هلاوه بر این

را در طول ۳۵ سال اینست که در طول

گذشته و از هنگام تاسیس دولت اسرائیل به صلح واقعی

چنین موقعيتی وجود نداشته است. ایلات متعدد امریکا

در طول تاریخ روایت خارجی اش، هیچ‌گاه در موقعیت

امريکايان ازان به عنوان "فرضت طلاقی" در

منطقه یاد می‌کنند. چیزی جز فراممود بدن امکانات

برای تحقق شرایط مطلوب اسرائیل و امریکا در

بحراں خاور میانه نیست.

ایده کنفرانس بین المللی صلح برای خاور میانه زیر

نظر سازمان ملل، سالها پیش از جانب شوری و مطرخ

شد. اما با مخالفت جدی امریکا و اسرائیل مواجه شد.

تحقیق این امر در شرایط و تابعه قوای آن موقع منطقه

و جنون، مغایر با توسعه طلبی رژیم اسرائیل و چه بسا

حقوق ملت فلسطین می‌شد. اما امروز او اوضاع واحوال

را ایجاب نمی‌کند. تصمیم شورای ملی فلسطین

امکانات خود را از داده است. ملاوه بر آن، مناسبات خود

را با اسرائیل که دارای این طرف قطع شده

می‌بود بخشنیده و در صدد است در آستانه تشکیل

کنفرانس، مناسبات سیاسی خود را با اسرائیل از تو

برقرار نماید. اغلب دولتخانه هر بمنطقه وابسته و یا

تمایل به شرق و امریکا مستند. بحران خلیج فارس

کرفته است. تیجه اینکه جنبش ملی فلسطین در

نامناسب ترین شرایط برای دفاع از حقوق خود

گرفته است. امروز آرمان فلسطین در مقایسه با چند

دهه اخیر از کمترین حد پیشتبانی در میان دول هری

برخوردار است. بحران خلیج فارس و برخورد